



مدرسه علمیه تخصصی
حضرت زهرا (س)



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

دو فصلنامه مطالعات اخلاقی خانواده

سال سوم / شماره ۵ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران /

مدرسه علمیه تخصصی حضرت زهراء (س) میبد

مدیر مسئول: محمد علی مبینی

سردبیر: سید علی حسینی زاده

اعضای هیئت تحریریه

محمد علی مبینی (دانشیار گروه فلسفه و اخلاق)، محمدرضا سالاری فر (استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) سید علی حسینی زاده (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) محمدرضا جباران (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) سید محمود طیب حسینی (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) فرج الله هدایت نیا (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

مدیر اجرایی: فاطمه وحیدی

ویراستار: مرضیه مونتاز

ترجمه چکیده انگلیسی: مریم السادات نبوی

صفحه آرایی: منیژه گلستانی

یزد، میبد، ابتدای خیابان سلمان فارسی، روبروی نانوایی، مدرسه علمیه تخصصی حضرت زهرا (س)

کد پستی: ۸۹۶۱۹۴۵۶۷۳

تلفن: ۰۳۵۳۳۳۲۳۱۱۱-۲

Email: motaleate-akhlaghi@whc.ir

motaleate-akhlaghi.whc.ir

پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۶۰۸۵

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

۱. مشخصات نویسنده / نویسندگان: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تماس و نشانی الکترونیکی در فایل جداگانه ارسال گردد.
۲. حجم هر مقاله بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد. مقالات پر حجم جهت تلخیص برگردانده خواهد شد.
۳. چکیده فارسی، عصاره مقاله است و باید حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد (بیان مسأله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
۴. واژگان کلیدی فارسی، حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
۵. مقدمه، شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
۶. در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
۷. نتیجه‌گیری، شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
۸. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
۹. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
۱۰. ارجاعات، به شیوه درون‌متنی تنظیم و به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار، از حروف الف، ب، ج و ... استفاده شود و فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج گردد.
- (أ) برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ سال انتشار داخل ()، نام کتاب؛ نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: ناشر.
- (ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.
۱۱. ارسال، پیگیری، ارزیابی، اصلاحات، تأیید نهائی و انتشار مقاله، تنها از طریق سامانه motaleate-akhlaghi@whc.ir انجام می‌پذیرد.

فهرست مطالب

مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن کریم / ملیحه شیخی زاده	۷
لزوم استقامت یکپارچه از منظر آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود با تأکید بر دیدگاه رهبر شهید / مریم سلیمی دهج	۳۵
مقاومت اخلاقی در زندگی روزمره: تبیین اخلاقی استمرار نقش‌های اجتماعی بر اساس نظریه تناسب وجودی / محمد علی مبینی، ملیحه قدرتی	۵۱
تأثیرگفتمان رهبری بر سبک زندگی خانواده‌های مقاوم / حانیه مازارچی	۶۷
بنیان‌های تاب‌آوری پایدار در گذر از بحران‌های جنگ: نگاهی جامع به ابعاد روان‌شناختی، معنوی و اخلاقی / علی احمد پناهی	۸۱
نقش مشاوره خانواده در تربیت نسل مجاهد: آسیب‌شناسی و ارائه الگوهای عملی برای والدین / رویا دهقانی فیروزآبادی، زینب رحیمی تالارپشتی	۱۰۳





The Theological Foundations of Jihad from the Perspective of the Holy Quran

Maliheh Sheikhezadeh

Level 4 in Quranic Sciences and Teachings, Hazrat Zahra Specialized Higher Education Institute, Meybod, Yazd Province.

Email: shikhezade59@gmail.com

Abstract

Jihad against the enemies of the path of truth, from the perspective of Islamic teachings, is regarded as one of the most essential means of preserving the Islamic order, and a large number of verses of the Holy Quran are devoted to the importance and necessity of jihad. By examining the verses on jihad in the Holy Quran, the monotheistic foundation of this divine obligation becomes clear. The theological foundations of jihad from the perspective of the Holy Quran involve analyzing the impact of monotheistic beliefs on the legitimacy, causes, goals, and philosophy of jihad. The present study, using a descriptive-analytical method and relying on Quranic verses, seeks to provide a systematic explanation of the monotheistic foundations governing jihad in the Quran. Through an examination of the verses of the Holy Quran, the theological foundations of jihad can be categorized as follows: a) the theoretical foundations of monotheism, including essential monotheism, monotheism in divine acts, and monotheism in divine attributes, including divine power, divine justice, divine will, divine wisdom, and absolute divine perfection; b) the relationship between monotheism and the universe, including God's true ownership, creation lordship, legislative lordship, the operation of divine decree and destiny in the world, and the unified order of the whole universe.

Keywords: theological foundations, war, jihad, Holy Quran, monotheism.



الأسس اللاهوتية للجهاد من منظور القرآن الكريم

مليحة شيخي زاده

طالبة حوزوية في المستوى الرابع في العلوم والتعاليم القرآنية، معهد التعليم العالي التخصصي حضرة الزهراء في ميبد، محافظة يزد

Email: shikhizade59@gmail.com

الملخص

يُعدّ الجهاد ضد أعداء طريق الحق، من منظور التعاليم الإسلامية، من أكثر الوسائل ضرورةً لحفظ النظام الإسلامي، وقد خُصص عدد كبير من آيات القرآن الكريم لبيان أهمية الجهاد وضرورته. ومن خلال دراسة آيات الجهاد في القرآن الكريم تتضح الأسس التوحيدية لهذا الواجب الإلهي. وتتمثل الأسس اللاهوتية للجهاد من منظور القرآن الكريم في تحليل تأثير المعتقدات التوحيدية في مشروعية الجهاد، وأسبابه، وأهدافه، وفلسفته. وتعتمد هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي والاستناد إلى آيات القرآن، إلى تبين منظم للأسس التوحيدية الحاكمة للجهاد في القرآن. ومن خلال التدبر في آيات القرآن الكريم، يمكن تصنيف الأسس اللاهوتية للجهاد على النحو الآتي: أ) الأسس النظرية للتوحيد، وتشمل التوحيد الذاتي، وتوحيد الأفعال، وتوحيد الصفات، بما في ذلك القدرة الإلهية، والعدل الإلهي، والإرادة الإلهية، والحكمة الإلهية، والكمال الإلهي المطلق؛ ب) العلاقة بين التوحيد والكون، وتشمل الملكية الحقيقية لله تعالى، والربوبية التكوينية، والربوبية التشريعية، وجريان القضاء والقدر في العالم، ووحدة النظام العام لمجموع الكون.

الكلمات المفتاحية: الأسس اللاهوتية، الحرب، الجهاد، القرآن الكريم، التوحيد.



مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن کریم

ملیحه شیخی زاده

طلبه سطح ۴ رشته علوم و معارف قرآنی، حوزه علمیه حضرت زهرا علیها السلام میبد، استان یزد

Email: shikhizade59@gmail.com

چکیده

جهاد با دشمنان راه حق از منظر آموزه‌های اسلامی جزء ضروری‌ترین اسباب حفظ نظام اسلامی است و تعداد زیادی از آیات قرآن کریم به بیان اهمیت و ضرورت جهاد اختصاص دارد. با بررسی آیات جهاد در قرآن کریم مبانی توحیدی این واجب الهی مشخص خواهد شد. مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن کریم، به تحلیل تأثیر باورهای توحیدی بر مشروعیت، علل، اهداف و فلسفه جهاد از منظر قرآن کریم می‌پردازد. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر آیات قرآن به تبیین نظام‌مند مبانی توحیدی حاکم بر جهاد در قرآن می‌پردازد. با کنکاش در آیات قرآن کریم، مبانی الهیاتی جهاد را می‌توان بدین صورت دسته‌بندی کرد: الف: مبانی نظری توحید شامل توحید ذاتی، توحید افعالی و توحید صفاتی شامل قدرت الهی، عدل الهی، اراده الهی، حکمت الهی و کمال مطلق الهی؛ ب: رابطه توحید و جهان هستی شامل مالکیت حقیقی خداوند، ربوبیت تکوینی، ربوبیت تشریعی، جریان قضا و قدر در عالم و نظام واحد مجموعه عالم هستی.

کلید واژه: مبانی الهیاتی، جنگ، جهاد، قرآن کریم، توحید.



مقدمه

مسئله جهاد از دیرباز یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حوزه دین، سیاست و اخلاق بوده است. در گفتمان رایج غربی، جنگ اغلب به عنوان پدیده‌ای سیاسی یا اقتصادی تحلیل می‌شود که ریشه در منافع ملی، توازن قدرت یا طبیعت تهاجمی انسان دارد، اما در نظام فکری اسلام، به ویژه از منظر قرآن کریم، جهاد پدیده‌ای مستقل از باورهای الهیاتی نیست. مشروعیت، علل، اهداف و آداب جهاد در اسلام، ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های توحید و جهان‌بینی اسلامی دارد. قرآن کریم جهاد را تنها در چارچوب نظام توحیدی و با اذن الهی مشروع می‌داند و آن را به عنوان ابزاری برای دفع فساد، رفع فتنه، یاری مستضعفان و تحقق نظام واحد توحیدی و هماهنگی با قوانین تکوین تعریف می‌کند. در این نگاه، هرگونه جنگ تهاجمی و بدون اذن الهی، شرک در حاکمیت و مصداق طاغوت است؛ بنابراین، مبانی الهیاتی جهاد به جهت‌دهی الهی و اهداف و فلسفه جهاد از منظر قرآن کریم می‌پردازد.

پرداختن به مبانی الهیاتی جهاد از آن جهت ضرورت می‌یابد که اتهامات متعددی مبنی بر خشونت‌طلبی در اسلام مطرح می‌شود، بی‌آنکه به نظام توحیدی حاکم بر مفهوم جهاد توجه شود. بازخوانی دقیق مبانی توحیدی جهاد از منظر قرآن کریم، ضرورت نظری و نیاز عملی برای تشخیص جهاد مشروع از منظر آیات قرآن کریم می‌باشد. در همین راستا این نوشتار در صدد است به استخراج



مبانی الهیاتی جهاد در دو محور نظری و هستی‌شناختی پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم مبانی

واژه مبانی جمع مبناست و مبنا، چنان‌که در کاربرد لغوی نیز آمده، ناظر به بنیاد و پایه‌ای است که امر دیگر بر آن بنا می‌شود (فراہیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۲)؛ از این رو این واژه با معنای بنا، بنیاد و اساس پیوند یافته است (دهخدا، ۱۳۵۹، ج ۱۳، ص ۲۰۱۱۹). مبانی گزاره‌های کلی و اخباری ناظر به حقایق تکوین است که زیربنای یک نظام فکری، دینی یا علمی بران‌ها استوار است. مبانی الهیاتی، به بیان باورهای حوزه خداشناسی در یک نظام توحیدی می‌پردازد.

۱-۲. مفهوم جهاد

جهاد در لغت از ریشه «جَهِد و جُهِد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱). صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی جهاد می‌گوید: «جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۳).

۲. مبانی توحید نظری

مبانی نظری، با توجه به دسته‌بندی توحید نظری در سه عنوان «توحید ذاتی»، «توحید افعالی» و «توحید صفاتی» بررسی می‌شود.



۲-۱. توحید ذاتی

توحید ذاتی به این معناست که اولاً ذات خداوند متعال یکتاست و شبیه و شریکی در ذات ندارد. ثانیاً، بسیط است؛ یعنی اجزا و ترکیبی در ذاتش وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶۸).

ذات خدا یکتاست، یعنی موجودی جز «الله» از خود، وجود ندارد. به تعبیر فلسفی «توحید در وجوب وجود» یعنی تنها الله تبارک و تعالی است که وجودش به ذات ضروری است و وجود سایر موجودات از خداست (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۸۵). وقتی وجود و هستی موجودات به موجودی یگانه و بی نیاز وابسته باشد، چگونه می توان حق دخالت در امور دیگران و حتی امور مربوط به خودش را به او داد. موجود وابسته، در تمام شئون زندگی به موجود یگانه بی نیاز وابسته است. از جمله ی این امور، حق تصرف در امور گوناگون از جمله حق تصرف در حکومت و جهاد و قتال با دیگران است. آیت الله صافی، «توحید» را محور اصلی تمام مسایل اعتقادی، سیاسی و انتظامی اسلام می داند. ایشان می فرماید: خداوند یگانه، خالق، رازق، حاکم، مالک کل و بی نیاز از کل است؛ بنابراین حق ولایت مطلق بر تمام امور، مختص اوست. هر حاکمیت، ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و اظهار شرک و تصرف در شئون خداست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۸۶).

قرآن کریم می فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج: ۳۹) حکم جهاد تنها از جانب خدا صادر می شود و مبتنی بر ظلم واقعی بر مؤمنان است و جنگ

تهاجمی بدون اذن الهی، شرک در حاکمیت به شمار می‌آید.

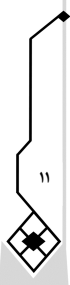
۲-۲. توحید افعالی

توحید افعالی به این معناست که خدا در انجام کارهایش نیازی به کمک و یاری ندارد و در انجام هر کاری، مستقل و یگانه است؛ البته این به معنای نفی تأثیر واسطه‌ها نیست، بلکه به معنای نفی تأثیر استقلال آن‌هاست؛ زیرا تمام واسطه‌ها در اصل وجود و تأثیرشان، به ذات خداوند وابسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷۳).

به عبارت دیگر توحید افعالی یعنی هیچ فاعل مستقلی جز خدا در جهان وجود ندارد و تمام تأثیرات به اذن اوست. از منظر قرآن کریم در میدان جهاد، مؤمنان هرگز فاعل مستقل نیستند. «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا» (انفال: ۱۷). این آیه به روشنی نشان می‌دهد کشتن دشمن در میدان جهاد، در حقیقت فعل خداست و انسان فقط واسطه و وسیله‌ای به منظور اجرای اراده الهی است.

۲-۳. توحید صفاتی

توحید صفاتی به این معناست صفاتی که به خدای متعال نسبت داده می‌شود عین ذات خداوند و عین یکدیگرند و اختلاف‌شان با ذات و با یکدیگر، تنها در مفهوم است. صفاتی که به خدای متعال، نسبت داده می‌شود یا مفاهیمی است که با توجه به نوعی از کمال، از ذات الهی انتزاع می‌شود و صفات



ذاتی نامیده می‌شود یا مفاهیمی است که از نوعی رابطه بین خدای متعال و مخلوقاتش انتزاع می‌شود و بیانگر صفات فعلی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۴). در مبحث صفات ذاتی از رابطه کمال، قدرت و عدل الهی بر جهاد بحث خواهد شد و در مبحث صفات فعلی، صفات اراده و حکمت الهی به عنوان مبانی جهاد طرح موضوع خواهد شد.

۱-۳-۲. قدرت الهی

قدرت لایتنهای الهی مبنایی مستحکم در الهیات جهاد به شمار می‌رود. قدرت عبارت است از مبدأیت فاعل مختار برای کاری که ممکن است از او سر بزند و هر قدر فاعل از لحاظ مرتبه وجودی، کامل تر باشد، دارای قدرت بیشتری خواهد بود و طبعاً موجودی که دارای کمال بی‌نهایت باشد قدرتش نامحدود خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۷). طبق تفسیر محققان از قدرت، موجود قادر هر وقت اراده کند آن کار را انجام می‌دهد و هر وقت اراده نکند انجام نمی‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۷۴). ولایت خدا بر هر چیز و هر کس، عبارت است از قدرت ذاتی و بی‌نهایت او که در برابر آن، همه ممکنات خاضع و مطیع‌اند. آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً» (آل عمران: ۸۳) به این معنی است که همه موجودات تسلیم او امر تکوینی خداوند هستند. تسلیم او امر تکوینی، پذیرش اراده الهی در تمام امور است؛ به عبارت دیگر رشته حوادث در ید توانای اوست اگر عده‌ای «طوعاً» و از روی اختیار تسلیم امر

الهی اند، بقیه نیز «کرها» و بنابر اقتضای سیطره و قدرت الهی، تسلیم اراده او خواهند بود. در نهایت اگرچه به ظاهر وعده تشکیل حکومت الهی با اختیار و مجاهدت مستضعفان محقق خواهد شد؛ ولی در حقیقت قدرت لایتنهای الهی در خردکردن هیمنه پوشالی مستکبران و اجرای اراده خود از طریق عباد صالح متجلی خواهد شد. اگر خداوند می فرماید: اراده کرد حکومت صالحان در زمین تشکیل دهد؛ بنابر مبنای توحیدی که خداوند را قادر مطلق می داند اقتضای قدرت این است که طبق اراده الهی حکومت صالحان تشکیل خواهد شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص ۳-۵).

خداوند وعده می دهد: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰) وعده قطعی نصرت الهی شامل حال کسانی می شود که از آیین خدا دفاع می کنند. خداوند توصیف می شود به اینکه «قوی و شکست ناپذیر» است و توانایی یاری رساندن به دوستانش را دارد (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین قدرت مطلق خداوند اقتضا می کند او قادر باشد بدون جهاد نیز دشمنان را نابود کند؛ اما جهاد را به عنوان آزمونی برای مؤمنان و اجرای سنت دفاع مشروع قرار داده است.

۲-۳-۲. کمال الهی

طبق مبنای توحیدی، خداوند متعال «کمال مطلق» است. به عبارتی، بنا بر کمالات نامتناهی الهی، هرگونه مفهومی که بر کمال دلالت داشته باشد و مستلزم

هیچ نقص و محدودیتی نباشد، قابل صدق بر خدای متعال خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷).

از آنجا که خداوند، کمال مطلق است، هر فعلی که از او صادر می شود، باید با صفات کمالیه او سازگار باشد؛ بنابراین جهاد نمی تواند برای رفع نقص یا تأمین نیازی در ذات الهی تشریع شده باشد. ضرورت جهاد با هدف یاری رساندن به خدا یا پیروز ساختن دین خدا نیز کمال الهی را نقض نمی کند. این تعبیر در راستای تبیین فلسفه جهاد، به عنوان بستری برای تحقق کمال بندگان و جامعه انسانی است که در قرآن کریم با عناوین «رفع فتنه»، «دفع ظلم»، «حمایت از مستضعفان» و «بقای نظام توحید» بیان می شود.

۳-۲-۳. عدل الهی

عدل الهی اقتضا دارد خداوند موجودات را به گونه ای بیافریند که با هدف نهایی آفرینش متناسب باشد. همچنین مقتضای عدل الهی این است که خداوند هر انسانی را به اندازه استعدادش مورد تکلیف قرار دهد و با توجه به توانایی و تلاش اختیاری وی در مورد او قضاوت کند و پاداش یا کیفر در خور کارهایش به او بدهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۶۱).

خداوند به دلیل عدل ذاتی خود، جهاد را برای مقابله با ظلم و ستم تشریع کرده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ عدل الهی اقتضا می کند مظلوم حق دفاع داشته باشد و این اذن، عین عدالت

است. علت اصلی اجازه جهاد، «ظلم» واقع شده بر مسلمانان در این آیه ذکر شده است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های جهاد در اسلام، دفع ظلم و ستمگری است (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۵۴۳).

۴-۳-۲. اراده الهی

قوانین عالم تکوین و تشریع، طبق اراده و تدبیر الهی جاری است. به عبارتی، تمام قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی و سنت‌های الهی رایج در بین جوامع انسانی و قوانین وضع شده در قالب احکام تشریعی طبق اراده الهی در جریان است و اراده الهی اراده‌ای مافوق اراده‌هاست. با وجود جولان شیاطین انس و جن در روی زمین و گسترش فساد و ظلم و اراده‌های غیر الهی بر خاموش کردن نور حق و از بین بردن جریان حق‌گرا، در نهایت خداوند در دل این اراده‌های غیر الهی، اراده خود را بر تمام جهان مسلط خواهد ساخت. سنت و قانون خدا و خواست اوست که می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» (قصص: ۵) خدا چنین اراده کرده که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف به زعامت صاحب عصر آشکار سازد و طبقه استثمارگر و ظالم را به دست مستضعفین از بین ببرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰)، تمام حوادث در میدان جهاد نیز تحت اراده خداوند است.

آیه «وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْصَرَّ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ» (محمد: ۴) نیز نشان می‌دهد اگر خدا می‌خواست می‌توانست بدون جهاد نیز دشمنان را نابود کند، اما



اراده کرده است که مؤمنان با جهاد آزمایش شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۴۱؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۲۳، ص ۴۵).

آیه «فَهَزُّوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره: ۲۵۱) تصریح می‌کند شکست دشمن به اذن خداوند است. عبارت «بِإِذْنِ اللَّهِ» تأکید می‌کند که اگرچه تلاش و جهاد از سوی رزمندگان بود، اما عامل اصلی شکست دشمن، اراده و فرمان خداوند است. پیروزی هدیه‌ای الهی است که به بندگان شایسته عطا می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۹۳؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۸).

۵-۳-۲. حکمت الهی

حکمت نوعی ویژگی است که به موجب آن، فاعل مختاری که دارای این ویژگی است، کارهایی را آگاهانه انتخاب می‌کند که با کمالات حقیقی او سازگار است و در نتیجه با بیشترین خیر و کمال همراه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۱).

قاعده «لطف» در کلام شیعه بیانگر این نکته است که خداوند بنابر حکمت خود، هر آنچه بندگان را به سعادت و کمال نزدیک و از شقاوت دور می‌سازد، انجام می‌دهد (ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۰۶) از جمله این الطاف، تشریع حکم جهاد در برابر ظالمان و مفسدان است. عدم اذن به جهاد در جایی که فساد و ظلم بیداد می‌کند، لطف الهی به بندگان را نقض می‌کند و با حکمت الهی سازگاری ندارد.

تمام افعال الهی هدفمند و براساس حکمت است؛ حتی کوچک‌ترین رخدادهای عالم هستی، بر مبنای حکمت رقم می‌خورد. حکم جهاد نیز براساس حکمت و اهدافی از طرف خداوند ابلاغ می‌شود. برخی از اهداف حکیمانه جهاد که در قرآن به آن اشاره شده است عبارتند از:

حمایت از مستضعفان: در تبیین فلسفه جهاد، به وظیفه مسلمانان در قبال مظلومان اشاره می‌شود. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)

«مستضعف»، ضعیف به معنای ناتوان ذاتی نیست، بلکه کسی است که به دلیل ستم دیگران از جهات فکری، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی یا سیاسی تضعیف و ناتوان شده است. این تعبیر شامل همه اقسام استعمار می‌شود (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۲ و ۲۰۳)؛ بنابراین یکی از اهداف جهاد دفاع از مستضعفان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹). حمایت از مظلومان شامل همه مظلومان در هر نقطه از جهان می‌شود. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان در برابر فشار به مظلومان بی تفاوت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۴).

بقای نظام توحید: خداوند در قرآن به صراحت اعلام می‌کند اگر جهاد نباشد، مراکز عبادت و ذکر خدا ویران می‌گردد: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰) از آنجا



که عبادت خداوند از اهداف خلقت است، اجازه و مهلت نابودی نشانه‌های توحیدی به دشمنان حق، حکمت الهی را نقض می‌کند.

خداوند در این آیه بیان می‌کند که اگر برخی از مردم به وسیله برخی دیگر (مجاهدان) دفع نمی‌شدند، قطعاً دیرها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردید. معابد و مساجد سنگرهای بیداری و قیام علیه خودکامگان است و مستکبران نمی‌توانند آن‌ها را تحمل کنند. اگر مؤمنان غیور در برابر فعالیت‌های ویرانگر طاغوت‌ها سکوت کنند، تمام مراکز عبادی از بین خواهد رفت. جهاد و دفع ظلم توسط مؤمنان، ضامن بقای آزادی مذهبی و حفظ مکان‌های عبادت ادیان مختلف به عنوان محل ذکرنام خداست (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین جهاد در راه خدا برای بالابردن کلمه توحید و نشر دین وضع شده است (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۷۸).

در نتیجه ماهیت جهاد اسلامی برای کسب مال، مقام، منابع طبیعی، بازار مصرف یا تحمیل عقیده و سیاست نیست؛ بلکه تنها برای نشر اصول فضیلت، ایمان و دفاع از ستم‌دیدگان است. این دو هدف الهی و انسانی از هم جدا نیستند و به یک حقیقت بازمی‌گردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰؛ رضایی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۳).

۳. رابطه توحید و جهان هستی

بخش دیگری از مبانی الهیاتی جهاد از مبانی توحیدی مرتبط با جهان هستی نشأت می‌گیرد در ادامه به بررسی این مبانی پرداخته می‌شود.

۳-۱. ربوبیت تکوینی

ربوبیت تکوینی به معنای تدبیر و هدایت همه موجودات توسط خداوند برای رشد و تکامل متناسب با استعدادهایشان است. آیه شریفه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) بیانگر این حقیقت است که خداوند به هر موجودی خلقت و نظام وجودی و استعدادهای خاص عطا کرده و هدایت تکوینی و قوانین در مسیر رشد را برای او مقرر داشته است. انسان نیز بنابر نوع آفرینش و استعدادهایش از رشد و کمال ویژه‌ای برخوردار است و ربوبیت تکوینی انسان به معنای تدبیر و هدایت انسان توسط خداوند در راستای رشد و تکامل متناسب با استعدادهایش است.

ربوبیت تکوینی به عنوان مبنای الهیاتی جهاد از جهت رفع موانع رشد تکوینی انسان‌ها قابل تحلیل است. به عبارت دیگر، ربوبیت الهی اقتضا می‌کند جریان هدایت و رشد انسان‌ها، با جهاد محقق شود. آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳) به صراحت حکمت جهاد را رفع فتنه از زمین می‌داند. در اکثر تفاسیر، «فتنه» در این آیه به معنای شرک و بت پرستی تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۰؛ بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۰۵). عبارت «الدین

لله» به معنای آن است که اطاعت و فرمانبرداری تنها مخصوص خدا باشد و هیچ شریکی در حاکمیت و عبادت نداشته باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۳۴). یکی از اهداف جهاد در اسلام، مستقر ساختن حکومت الهی و نشر آیین توحید است که همان تحقق عینی ربوبیت خدا در زمین است. حاکمیت دین خدا به این معناست که دین یکسره از آن خدا شود و قانون خدا در زمین اجرا گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۰).

خداوند در آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) وعده حاکمیت صالحان بر زمین را داده است. تحقق این وعده، نیازمند مبارزه با طاغوت‌ها و نظام‌های ظالم است؛ زیرا آن‌ها مانع اصلی استقرار عدل و هدایت جمعی هستند؛ بنابراین، جهاد در چارچوب ربوبیت تکوینی، ابزاری برای تحقق سنت الهی و جانشینی صالحان و هدایت جامعه به سوی کمال مادی و معنوی محسوب می‌شود.

از طرفی در مکتب تربیتی اسلام، جهاد میدانی است که در آن انسان‌ها تحت «ربوبیت تکوینی» خدا قرار می‌گیرند تا به مرحله «رَبِّيُونَ» برسند. «وَكَايْنِ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا» (آل عمران: ۱۴۶) «رَبِّيُونَ» افرادی‌اند که مختص رب العالمین هستند و جز به کار خدا به هیچ کار دیگر مشغول نیستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۱ و ۶۲)؛ بنابراین جهاد، بستر تکوینی برای رشد، استقامت و اتصال به منبع لایزال الهی است. مجاهد اطمینان دارد تدبیر امور و نتیجه نبرد در دست «رب» اوست. «لَنْ

يُصِيبُنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱) این آیه نشان‌دهنده تسلیم در برابر ربوبیت و تدبیر الهی در میدان جهاد است (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۸۹).

همچنین رابطه عاطفی و تکوینی رب و مجاهد در جهاد متبلور می‌شود. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴) جهاد، نتیجه مستقیم محبت به «رب» و خواست او برای خالص شدن بندگانش است (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۱۲۷). از این رو، جهاد در نظام الهیاتی اسلام رنگ عبودیت می‌گیرد و بستری برای قرب الهی و جریان ربوبیت تکوینی است.

۲-۳. ربوبیت تشریعی

ربوبیت تشریعی، دومین ساحت ربوبیت الهی پس از ربوبیت تکوینی است. ربوبیت تشریعی تدبیر و هدایت انسان‌ها از طریق ارسال پیامبران، نزول کتب آسمانی و تشریع قوانین الهی است. در این نظام، سه رکن اصلی وجود دارد. خداوند متعال به عنوان قانون‌گذار، شرایع و احکام الهی در حکم قانون و انبیا و اوصیای الهی در نقش مجریان قانون از ارکان اصلی نظام ربوبیت تشریعی است. ربوبیت تشریعی مکمل نیاز فطری انسان برای هدایت است؛ زیرا انسان به دلیل ضعف عقل عملی و غلبه امیال، توانایی تشخیص و پایبندی مستقل به مسیر کمال را ندارد.

از منظر قرآن کریم، جهاد در چارچوب ربوبیت تشریعی مشروعیت می‌یابد. خداوند در مقام قانون‌گذار، احکام جهاد را برای دفاع از حق، دفع ظلم و گسترش عدل تشریع کرده است. آیه «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ...» (بقره: ۶۲۱) نشان می‌دهد جهاد یک تکلیف شرعی است و بر مبنای ربوبیت تشریعی بر مؤمنان واجب شده است.

در ربوبیت تشریعی، اجرای قوانین الهی بر عهده پیامبران و جانشینان معصوم آنان است؛ بنابراین، فرمان جهاد نیز تنها از سوی آنان صادر می‌شود و مؤمنان موظف به اطاعت از آن فرمان می‌باشند. قرآن در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه: ۷۳) خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرمان جهاد را صادر کرده است.

ربوبیت تشریعی مکمل ربوبیت تکوینی است. در ربوبیت تکوینی، خداوند زمینه‌های طبیعی و تاریخی جنگ را برای دفع فساد تقدیر کرده است (بقره: ۲۵۱) و در ربوبیت تشریعی، همان هدف با ابزار دین و فرمان الهی تحقق می‌یابد. پیامبران و اولیای الهی با اجرای قوانین تشریعی جهاد، سنت‌های تکوینی الهی مانند نابودی طاغوت‌ها و استقرار صالحان را در عرصه تاریخ عملی می‌سازند.

بنابراین ربوبیت تشریعی به عنوان یکی از مبانی الهیاتی جهاد در قرآن بدین معناست که خداوند با تشریع احکام جهاد و واگذاری اجرای آن به انبیا و اولیای الهی، ابزاری قانونی و الهی برای دفع ظلم، رفع فتنه و ایجاد بستر امن برای هدایت و رشد انسان‌ها فراهم آورده است.

۳-۳. مالکیت مطلق الهی

مالکیت حقیقی جهان هستی در اختیار خالق و مدبر آن است. تمام مالکیت‌های دیگر، اعتباری و غیر واقعی‌اند. بنابراین، تدبیر امور در دست خالق و مالک حقیقی هستی می‌باشد. هر تدبیر و ولایتی بدون انتساب به مبدأ هستی باطل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۹۷-۹۸).

طبق عقیده توحیدی، ولایت و مالکیت حقیقی و مطلق، مختص به خداست و هیچ کس در عرض خدا، بر دیگران و حتی بر نفس خود، ولایت تکوینی و ولایت تشریعی ندارد؛ بنابراین، هر حکومتی که از جانب خدا و به اذن او نباشد، طاغوت و مداخله در امر و حکومت خداست و همچنین پذیرش و فرمان برداری از آن، پذیرش طاغوت است. از آنجاکه مفهوم طاغوت اعم است شامل فرمانروایان مستبد و حکومت‌های غیر شرعی نیز می‌باشد. ولایت و مالکیتی که برای بعضی بندگان به اذن خدا مستقر می‌شود، اعتباری و قراردادی بوده و حقیقی نیست و قابل زوال و انتقال است؛ ولی ولایت و حکومت الهی حقیقی و ابدی است. ارتباط و تعلق مخلوق به خالق، ولایت و مالکیت حقیقی خالق را اقتضا می‌کند. در نتیجه تصرف در امور و اعمال ولایت بر دیگران، تصرف در سلطنت الهی و ملک خدایی است که بدون اذن الهی برخلاف توحید در مالکیت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲ تا ۲۵). از آنجاکه جان و مال انسان‌ها نیز ملک خداست؛ جهاد و کشتن در جنگ تنها زمانی مجاز است که خداوند به دلیل دفع



فساد بزرگتر از آن دهد. هیچ انسانی مالک جان دیگری نیست تا خودسرانه آن را بگیرد و هیچ حکومتی بدون پشتوانه الهی حق صدور جهاد را ندارد.

۳-۴. جریان قضا و قدر الهی در همه امور عالم

واژه «قدر» به معنای اندازه و واژه «تقدیر» به معنای سنجش، اندازه‌گیری و ساختن چیزی به اندازه معین است. واژه «قضاء» به معنای یکسره کردن، به انجام رساندن و داوری کردن استعمال می‌شود. منظور از تقدیر الهی این است که خدای متعال برای هر پدیده‌ای اندازه، حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی، تحقق می‌یابد. منظور از قضاء الهی این است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهائی و حتمی می‌رساند. گاهی تقدیر و قضاء الهی، به معنای علم خدا به فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط پیدایش پدیده‌ها و نیز علم به وقوع حتمی آن‌ها به کار می‌رود و آن را «قضاء و قدر علمی» می‌نامند و گاهی به معنای انتساب سیر تدریجی پدیده‌ها و نیز انتساب تحقق عینی آن‌ها به خدای متعال، استعمال می‌شود و «قضاء و قدر عینی» نام می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). بنابراین «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)؛ تمام امور طبق قضا و قدر خداوند جاری است.

جریان قضا و قدر الهی در میدان نبرد به این معنی است که همه پیروزی‌ها و شکست‌ها مطابق قضا و قدر الهی رقم می‌خورد. جریان قضا و قدر الهی در

مبحث جهاد را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

تقدیر علمی: خداوند متعال با علم ازلی خود، مقدمات، اسباب و شرایط وقوع جنگ‌ها همچون اختلافات بشری، ظلم، فساد، یا ضرورت دفاع را می‌داند و نیز می‌داند در زمان معین و با تحقق آن اسباب، جنگ به طور حتم رخ خواهد داد. آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا» (حدید: ۲۲) نشان می‌دهد تمام امور و حوادث در لوح محفوظ ثبت شده است و ناظر به همین تقدیر علمی است.

تقدیر عینی: در عالم خارج، خداوند سیر تدریجی پدیده‌ها را به گونه‌ای قرار داده که جنگ‌ها در بستر علل و عوامل طبیعی و انسانی تحقق یابند. برای نمونه، آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره: ۲۵۱) نشان می‌دهد خداوند به صورت عینی، دفع شر و فساد را از طریق جهاد در نظام آفرینش تقدیر کرده است. این همان جریان «قدر عینی» است که در آن حرکت تدریجی تاریخ به سوی برپایی حکومت صالحان با نبرد حق با باطل همراه شده است.

قضای الهی و مرحله حتمیت: هنگامی که اسباب و شرایط یک جنگ مانند طغیان دشمن، وجوب دفاع، تحقق وعده الهی بر یاری مؤمنان فراهم شد، خداوند آن را به مرحله «قضاء» می‌رساند؛ یعنی وقوع آن جنگ را حتمی و قطعی می‌کند. وعده‌های الهی درباره پیروزی نهایی مجاهدان در راه حق مانند «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا» نشان‌دهنده قضای حتمی الهی در نصرت جهاد حق علیه باطل است.



۵-۳. نظام واحد مجموعه عالم هستی

در آموزه‌های قرآنی، نظام واحد عالم هستی به این معناست که تمام اجزای جهان تکوین از ذرات تا کهکشان‌ها تحت اراده، تدبیر و قانون مندی الهی، هماهنگ و هدف‌مند در مسیر کمال خود حرکت می‌کنند «وَلَهُ أَشْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا» (آل عمران: ۸۳) و هیچ‌گونه ناهماهنگی در مجموعه هستی یافت نمی‌شود. «لَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَؤُتٍ» (ملک: ۳) در نظام واحد هستی، نظام تشریع با نظام تکوین هماهنگ است. دین و تشریع الهی، با فطرت بشری متناسب است و همسو و منطبق با قوانین عالم تکوین، به تکامل انسان و دیگر موجودات عالم می‌پردازد؛ زیرا شارع، همان خالق جهان است و ولیّ معصوم برگزیده خدا در تحقق و تطبیق قوانین تکوین و تشریع اهتمام دارد. ازاین‌رو همان‌گونه که عالم تکوین دارای نظام و قوانین واحد و تحت تدبیر الهی است، نظام تشریع و اداره امور مردم نیز باید طبق نظام واحد تکوین و تدبیر الهی عمل کند. در محیط اختیار بشر غیر از برنامه‌های تشریعی الهی نباید برنامه دیگری مطرح شود و تمام حکومت‌ها و ولایت‌ها باید به اذن خدا باشد تا همه در مسیر واحد به سوی هدف واحد و تکاملی حرکت کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: الف، ص ۲۳). ازاین‌رو هرگونه نظام قانون‌گذاری و حکومتی که براساس غیراین تشریع الهی شکل گیرد، موجب تزام، اختلاف اهداف و درگیری می‌شود؛ زیرا از فطرت واحد بشری و قوانین هماهنگ تکوین فاصله گرفته است.

از این منظر، جهاد در قرآن با هدف برقراری نظام واحد الهی و به جهت نفی

طاغوت‌ها و حکومت‌های متکثرو متعارضی است که براساس هواهای بشری قانون‌گذاری می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳). یکی از مصادیق «فتنه» همان شرک و طغیان نظام‌های متعارض بشری است که مانع تحقق حاکمیت دین الهی می‌شود و هر جنگ و جهادی که برای تحقق ولایت الهی و نفی ولایت‌های طاغوتی باشد، عین هماهنگی با نظام تکوین و تشریع الهی است.

بنابراین بر مبنای نظام واحد عالم هستی و با توجه به این حقیقت که تنها یک نظام تشریعی و ولایت الهی می‌تواند بشر را از تزاخمت و جنگ‌های ناشی از تعدد اهداف مادی نجات دهد، جهاد در قرآن کریم، به منظور از میان برداشتن موانع تحقق نظام واحد الهی و بازگرداندن جامعه به مسیر توحیدی و هماهنگی با قوانین تکوین است. در غیراین صورت، تعدد حکومت‌ها و تزاخم منافع، منشأ جنگ‌های ویرانگر خواهد بود. همان‌گونه که جهاد با هدف برقراری عدل، با نظام تکوینی هماهنگ است؛ زیرا فساد و ظلم با نظام آفرینش ناسازگار است.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی الهیاتی جهاد از منظر قرآن نشان می‌دهد جهاد در اسلام حلقه‌ای از نظام توحیدی حاکم بر هستی است. جهاد در نظام فکری اسلام، ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های باور توحیدی دارد و بدون فهم این مبانی، نمی‌توان به درک صحیحی از ماهیت، مشروعیت، اهداف و محدودیت‌های آن دست یافت. بر



مبنای توحید ذاتی، مشروعیت جهاد تنها از آن خداست و هیچ انسان یا گروهی بدون اذن الهی حق آغازگری جنگ ندارد. توحید افعالی، انسان‌ها را واسطه‌ای در تحقق اراده الهی می‌داند. بر مبنای توحید صفاتی، قدرت مطلق، کمال نامتناهی، عدل، اراده و حکمت الهی، چارچوبی جامع برای تبیین علل، اهداف و آداب جهاد ترسیم می‌شود. عدل الهی، مقتضی جهاد به منظور مبارزه با ظلم و ستم است؛ حکمت الهی، جهاد را ابزاری برای حمایت از مستضعفان و بقای نظام توحیدی قرار می‌دهد و اراده الهی، تضمین‌کننده پیروزی نهایی جریان حق در تاریخ است. در ساحت ربوبیت تکوینی، جهاد به مثابه رفع موانع رشد و هدایت انسان‌ها معنا می‌یابد و در چارچوب ربوبیت تشریعی، جهاد به عنوان تکلیفی الهی در راستای حکومت دین الهی در جوامع تبلور می‌یابد. مالکیت مطلق الهی، هرگونه تصرف در جان و مال انسان‌ها را بدون اذن خداوند، نامشروع و مصداق شرک در حاکمیت می‌شمارد. قضا و قدر الهی، پیروزی‌ها و شکست‌ها را در چارچوب تقدیر و قضای الهی تبیین می‌کند. نظام واحد عالم هستی نیز نشان می‌دهد جهاد در اسلام، با هدف تحقق نظام واحد الهی و هماهنگ‌سازی جامعه بشری با قوانین تکوین تشریع شده است. از این منظر، هرگونه جنگ بدون اذن الهی، مصداق فتنه و طغیانی است که جهاد مشروع برای رفع آن تشریع شده است.



منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم.
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). البرهان. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.
۳. جعفری، یعقوب (۱۳۹۸). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۹). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳). مفردات الفاظ القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية.
۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۴۱۸ق). القواعد الکلامیه. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۹). تجلی توحید در نظام امامت، قم: مسجد مقدس جمکران.
۹. _____ (۱۳۹۱الف). نظام امامت و رهبری. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۰. _____ (۱۳۹۱ب). انتظار عامل مقاومت. قم: بنیاد فرهنگی





- حضرت مهدی موعود (عج).
 ۱۱. _____ (۱۳۹۲). تجلی توحید در نظام امامت. قم: دفترتنظیم
 ونشرآثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
 ۱۲. _____ (۱۳۹۳). اصالت مهدویت. قم: دفترتنظیم ونشرآثار
 حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
 ۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم:
 اسماعیلیان.
 ۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران:
 ناصر خسرو.
 ۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: هجرت.
 ۱۶. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیرنور. تهران: مرکزفرهنگی درس های از
 قرآن.
 ۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). آموزش عقاید. تهران: شرکت چاپ
 ونشر بین الملل.
 ۱۸. _____ (۱۳۹۱). نظریة حقوقی اسلام، محققان: محمد مهدی
 نادری قمی و محمد مهدی کریمی نیا. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام
 خمینی.
 ۱۹. _____ (۱۳۹۸). معارف قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و
 پژوهشی امام خمینی.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵). جواهر الکلام. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.



The Necessity of Integrated Steadfastness from the Perspective of Verse 12 of Surah Hud, with Emphasis on the Viewpoint of the Martyred Leader

Maryam Salimi Dehj
 Level 4 Graduate of the Islamic Seminary
 Email: salimi1405df@bertinamail.com

Abstract

Since the only way to preserve any society against its enemies is obedience to the leader of the society, along with the sacrifice and resistance of its members, Almighty God has also commanded the believers in numerous verses to remain steadfast. Among these commands is verse 112 of Surah Hud. In light of current developments and the necessity of clarifying the duty of the Islamic Ummah regarding resistance against enemies, the present study, using a descriptive-analytical method and taking verse 112 of Surah Hud and the viewpoint of the Supreme Leader of the Revolution as its basis, examines the necessity of integrated resistance (the leader and the Islamic Ummah) against enemies. The findings show that steadfastness is the duty of all members of society, including both the leader and the Islamic Ummah. It also shows that factors such as faith in divine assistance, trust in God, hope for divine reward, possessing firm determination, and obedience to the leader are among the factors that strengthen the spirit of resistance.

Keywords: steadfastness, Ummah, leader, verse 112 of Surah Hud



ضرورة الثبات المتكامل من منظور الآية ١١٢ من سورة هود المباركة مع التأكيد على رؤية القائد الشهيد

مريم سليمي دهج

خريجة المستوى الرابع من الحوزة العلمية

Email: salimi1405df@bertinamail.com

الملخص

لما كان الطريق الوحيد لحفظ أي مجتمع في مواجهة الأعداء هو طاعة قائد المجتمع، إلى جانب التضحية والمقاومة من أفراد ذلك المجتمع، فإن الله تعالى قد أمر المؤمنين في آيات عديدة بالثبات. ومن بين هذه الأوامر الآية ١١٢ من سورة هود المباركة. ونظراً إلى تطورات المرحلة وضرورة تبين واجب الأمة الإسلامية تجاه مقاومة الأعداء، تتناول هذه الدراسة، بالاعتماد على المنهج الوصفي-التحليلي، ومن خلال اتخاذ الآية ١١٢ من سورة هود المباركة ورؤية قائد الثورة المعظم أساساً لها، بحث ضرورة المقاومة المتكاملة (القائد والأمة الإسلامية) في مواجهة الأعداء. وتُظهر النتائج أن الثبات تكليف يقع على جميع أفراد المجتمع، سواء القائد أم الأمة الإسلامية. كما تبين أن عوامل مثل الإيمان بالإمدادات الإلهية، والتوكل على الله، والرجاء في الثواب الإلهي، والتحلي بالعزم الراسخ، وطاعة القائد، تُعد من العوامل التي تعزز روح المقاومة. الكلمات المفتاحية: الثبات، الأمة، القائد، الآية ١١٢ من سورة هود المباركة.



لزوم استقامت یکپارچه از منظر آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود با تأکید بر دیدگاه رهبر شهید

مریم سلیمی دهج

طلبه سطح ۴، معارف و علوم قرآن، حوزه علمیه تخصصی کوثر تهران

Email: salimi1405df@bertinamail.com

چکیده

از آنجاکه تنها راه حفظ هر جامعه‌ای در برابر دشمنان، اطاعت از رهبر جامعه و فداکاری و مقاومت افراد آن جامعه است، خداوند متعال نیز در آیات متعددی مؤمنان را به استقامت امر می‌فرماید. از جمله این اوامر، آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود است. با توجه به تحولات روز و تعرض دشمن به خاک مقدس میهن اسلامی این پژوهش با هدف تبیین ضرورت استقامت همه‌جانبه در جامعه اسلامی، به بررسی و تحلیل آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود و تطبیق آن با دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب پرداخته است. روش مورد استفاده در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و با مبنا قرار دادن آموزه‌های قرآنی، نقش محوری پیوند میان رهبر و امت را در مسیر پایداری دینی واکاوی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استقامت تنها یک وظیفه فردی برای رهبری نیست، بلکه تکلیفی جمعی است که پایداری امت در کنار رهبر، شرط اصلی تحقق اهداف و پیروزی بردشمنان به شمار می‌رود. براساس نتایج این تحقیق، مؤلفه‌هایی همچون ایمان عمیق به امدادهای الهی، توکل بر قدرت مطلق خداوند، امید به اجر و پاداش اخروی، برخورداری از عزم راسخ و اطاعت‌پذیری از رهبر جامعه، از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده روحیه مقاومت در برابر دشمنان به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: استقامت امت، استقامت رهبر، آیه ۱۱۲ سوره هود، رهبر شهید



مقدمه

از مهم‌ترین عوامل نیل انسان‌های بزرگ به اهدافشان مقاومت در برابر مشکلات است. خداوند متعال نیز رمز پیروزی پیامبران در تبلیغ دین و ارشاد مردم به طریق حق را استقامت دانسته و در آیات متعددی به این مهم امر فرموده است؛ از آن جمله در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی توبه خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست».

با توجه به سیاق آیات، خداوند متعال، پس از بیان سرگذشت پیامبران و امت‌های پیشین، پیامبر و امتش را امر به استقامت می‌کند. استقامتی که نباید هیچ انحراف و طغیانی در آن راه پیدا کند؛ رهبری معظم انقلاب نیز در بیانات گوهربار خود، بارها بر لزوم مقاومت در مقابل دشمنان به عنوان شاه کلید پیروزی تأکید کرده است. موضوع استقامت و لزوم آن در برابر دشمنان از دیرباز مورد توجه جامعه اسلامی بوده است، اما آنچه که امروز بر اهمیت این بحث می‌افزاید، صف‌آرایی دشمنان اسلام بر علیه حق از یکسو؛ و تشکیل محور مقاومت در برابر استکبار جهانی، از سوی دیگر است.

از این‌رو سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که مطابق آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود و بیانات رهبر معظم انقلاب، لزوم استقامت یکپارچه (رهبر و امت اسلامی)

چیست؟ و چه عواملی باعث تقویت روحیه مقاومت می‌شود؟

در واکاوی‌های صورت گرفته، اثر مستقلى که ناظر به این مسأله باشد، یافت نشد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، پس از مفهوم‌شناسی واژه استقامت، لزوم استقامت رهبر و امت اسلامی را از منظر آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود و دیدگاه رهبری شهید مورد بررسی قرار داده و در پایان به عوامل مؤثر بر افزایش روحیه مقاومت در جامعه اسلامی پرداخته است.

واژه استقامت از ریشه (ق و م)، در لغت به معنای، راهی بر خط راست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱۸)، اعتدال (طریحی نجفی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۶۶؛ جوهری فارابی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۰۱۷)، طلب قیام (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۳۴۳)، استمرار (عسگری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۱)، پایداری و ایستادن (معین، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۲۵۵) است؛ و در اصطلاح، به معنای ثبات قدم و تحمل سختی‌ها و ناامید نشدن در مقابل آن‌ها، و در مفهوم قرآنی آن، اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژی‌هاست (ابن آشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۳۳۹). از میان مشتقات فعلی این واژه، فعل «استقم» (هود: ۱۲)، «استقیما» (یونس: ۸۹)، «استقیمو» (توبه: ۱۰) جهت امر به استقامت به کار رفته‌اند.

مخاطب فعل «استقم» در سوره مبارکه هود، پیامبر به عنوان رهبر جامعه اسلامی و مؤمنان هستند که در ادامه به لزوم استقامت هریک از آن‌ها می‌پردازیم.

لزوم استقامت یکپارچه

الف. استقامت رهبر

انجام وظیفه خطیر رسالت و ابلاغ دین، جز با تحمل شدائد و ناملازمات و گاه تحمل اهانت‌ها و جسارت‌ها و نیز آزارهای روحی، روانی و جسمی شخص پیامبر، خانواده و یاران ایشان میسر نبوده است؛ لذا خداوند متعال همواره پیامبر را سفارش به استقامت نموده می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲). در این آیه، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، و سایر مؤمنان به پایداری و مقاومت در راه دین (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۴۷) و ابلاغ آن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۳)، مجاهدت در مسیر حق (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۳۲) و حفظ تمامی باورها و اعمالی که در شریعت به آن‌ها ابلاغ شده است (رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص ۴۰۶) امر شده‌اند.

از آنجاکه پیامبر گرامی اسلام در کنار شئون رسالت و قضاوت ریاست عامه جامعه را نیز بر عهده داشته و به تعبیر دیگر سائنس مسلمین و مدیر جامعه اسلامی بود (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۴۷-۴۸) مخاطب اصلی فرمان به استقامت و پایداری است. خداوند سبحان در آیه ۲۴ سوره مبارکه‌ی سجده یکی از شرایط رهبر جامعه را برخورداری از صبر بیان نموده و می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»؛ و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را به امر ما (نه به امر خلق) هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه (در راه حق) صبر

کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند». امام علی (علیه السلام) نیز پس از در دست گرفتن زمام امور جامعه اسلامی در بیان مهم‌ترین شرایط رهبری فرمود: «انَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ اقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَاعْلَمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ... وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمُ بِمَوَاقِعِ الْحَقِّ؛ سزاوارترین مردم به رهبری کسی است که از دیگران توانایی بیشتری در این زمینه دارد و به‌تر از دیگران فرمان خدا را در این رابطه می‌داند... جز کسی که دارای دید رهبری، و از صبر و مقاومت برخوردار، و با جایگاه‌های حق آشنا است، نمی‌تواند پرچم رهبری را بردوش گیرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). امام در این خطبه ضمن تأکید بر لزوم برخورداری رهبر جامعه از دید سیاسی و بینش رهبری، از عنصر صبر و مقاومت به عنوان یکی از عناصر اصلی رهبری و خصایص قطعی رهبر نام می‌برد (محمدری شهری، ۱۳۷۲، ص ۱۷-۱۹)؛ بنابراین از نظر اسلام، رهبر جامعه اسلامی که امامت صابران و پیشاهنگی اهل مقاومت را به عهده دارد باید بیش و پیش از دیگران از ویژگی صبر که به معنای شکیبایی و مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی است و از شرایط اصلی و اجتناب‌ناپذیر رهبری بشمار می‌رود، برخوردار باشد. از این رو سپردن موقعیت رهبری به انسان‌های سست اراده که فاقد روحیه استقامت هستند و توان تحمل سختی‌های مبارزه و رویارویی با حوادث بزرگ و مشکلات مدیریت جامعه را ندارند، نادرست بلکه خطرناک است. امروز هم یکی از مسؤولیت‌های مهم مسلمانان و مخصوصاً رهبران اسلامی استقامت است؛ زیرا در غیر این صورت پیروزی بردشمنانی که از هر سواز داخل و خارج ما را احاطه



کرده‌اند و از تمام وسائل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی بر ضد ما بهره‌گیری می‌کنند امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۵۹).

رهبر شهید انقلاب حضرت آیت الله شهید امام سید علی خامنه‌ای نیز در مقام تبیین آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود، مخاطب اصلی و ابتدایی آیه را شخص پیامبر دانسته و با معرفی خود و کارگزاران نظام به عنوان سربازان خط مقدم جبهه مقاومت، بر لزوم استقامت مسئولان جهت حل مشکلات کشور تأکید فرمودند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۵/۱۵). همچنین ایشان در بیان دشواری پیمودن مسیر استقامت به روایت وارد شده ذیل تفسیر این آیه اشاره کرده و فرمودند: «اینکه حضرت رسول فرمودند: «شَیْئَتِنِی سُوْرَةُ هُوْد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۴۶)، این آیه، این بزرگوار را پیر کرد؛ این آیه پیر کرد؛ این قدر سخت است! فَاسْتَقِمْ کَمَا اُمِرْتَ؛ پایست، بمان، ادامه بده راه را» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۳/۴).

ب. استقامت امت

از آنجاکه پایداری رهبر بدون همراهی و پایداری امت بی‌نتیجه است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۸۸)، خداوند متعال در ادامه آیه، سایر مؤمنان را نیز مخاطب امر به استقامت قرار داده است: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...» و کسی که با همراهی توبه خدا رجوع کند» (هود: ۱۱۲). در این بخش از آیه خداوند کسانی را که به وسیله

ایمان از شرک (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۴۹)، کفر (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۳۲) و فسق (رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸، ص ۴۰۷) به سوی خداوند بازگشتند، مأمور می‌کند در کنار پیامبر در مقابل مشکلاتی که در راه ابلاغ دین و گسترش اسلام از سوی مخالفان ایجاد می‌شود استقامت کنند؛ چراکه استقامت در راه خدا و پایداری در برابر سختی‌ها از نشانه‌های ایمان راستین است.

خداوند سبحان در آیه ۴۱ سوره مبارکه توبه نیز از مؤمنان خواسته است که با تمام وجود در راه دفاع و حفظ دین همت کنند و در این راه از بذل جان و مال دریغ نورزند: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ با تجهیزات سبک و سنگین شتابان (به سوی میدان نبرد) حرکت کنید. با اموال و جان‌هایتان در راه خدا به جهاد برخیزید. این برای شما بهتر است اگر دانا باشید».

همچنین وظیفه مقاومت در برابر کفار را به مؤمنان واگذار نموده و می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که مورد هجوم و جنگ قرار می‌گیرند اجازه (جنگ) داده شده؛ به این دلیل که مورد ستم قرار گرفته‌اند و البته خداوند بریاری دادن به آنان تواناست» (حج: ۳۹). البته این اذن الهی به معنای اختیار نیست، بلکه با کنار هم قرار دادن این آیه با آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود مشخص می‌شود که مقاومت در برابر دشمنان بر مؤمنان واجب است.

رهبر شهید انقلاب نیز، مقاومت را یک مسئله عمومی دانسته‌اند که رهبر

جامعه به همراه امت در یک حرکت جمعی موظف به انجام آن است لذا فرمودند: «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» یعنی مردم موظفند که استقامت کنند - یک امر کلی است. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آن‌ها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد (حسینی خامنه‌ای ۱۳۹۹/۱۲/۴).

بنابراین استقامت در راه دفاع از دین و مقابله با دشمنان، وظیفه همه مؤمنان است (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵۱) ..

عوامل استقامت

برخی از عوامل مؤثر در افزایش روحیه مقاومت، با توجه به آیات قرآن و بیانات رهبر معظم انقلاب عبارتند از:

الف. ایمان به امدادهای الهی

ایمان به بهره‌مندی از امدادهای الهی در صورت استقامت در برابر مشکلات از عوامل اساسی ایجاد و تقویت روحیه مقاومت است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید اگر خدا را یاری دهید، او شما را یاری خواهد داد» (محمد: ۷). این مدد الهی با فراهم کردن اسباب غلبه بر دشمن و ایجاد هراس در دل او و نیز جاری شدن امور به نفع مؤمنان جاری خواهد

شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ص ۲۲۹). رهبر معظم انقلاب نیز یاری خدا را وعده الهی می‌دانستند که در صورت برخورداری از انگیزه الهی در انجام کارها این یاری شامل حال انسان خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳/۵/۱۴۰۴).

ب. توکل بر خدا

انسان موحد، با عمق جان نه لقلقه زبان، این مهم را درک می‌کند که احدی جز خداوند متعال توان انجام هیچ کاری را ندارد و تنها قادر مطلق، خداوند است (غضنفری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۸۰ و ۳۸۶)؛ از این رو عزم خود را برای انجام مقاصد الهی به کار می‌گیرد و عاقبت کارها را به خداوند می‌سپارد و تابع اراده اوست؛ زیرا می‌داند که تدبیر امور به دست خداست و از او جز خیر و صلاح بندگان صادر نمی‌شود. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» پس هر کس بر خدا توکل کند خداوند برایش کافی است» (طلاق: ۳).

پ. امید به پاداش و مزد الهی

یکی از عوامل تقویت روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان امید به پاداش الهی است که خداوند در قرآن کریم نوید آن را داده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛ همانا آنان که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند و می‌گویند نترسید و اندوهگین نباشید، شما را بشارت باد بر بهشتی که به شما وعده می‌دادند» (فصلت: ۳۰).

رهبری معظم انقلاب نیز امید رسیدن به اجر و مزد الهی را عامل تحمل سختی‌های راه مقاومت به شمار آورده‌اند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۸/۲۴).

ت. عزم راسخ

رهبر معظم انقلاب تداوم ایستادگی و عزم راسخ را دو عنصر اساسی و مورد نیاز همه امت‌های به پا خاسته می‌دانستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۸/۱۴). همچنین ایشان در همین رابطه در دیدار با مسئولان نظام فرمودند: «اراده‌ی قوی لازم است تا در مقابل این جاذبه‌های شیطانی بتوانید مقاومت کنید. اگر مقاومت کردید، آن وقت قلّه را فتح خواهید کرد؛ و به قلّه‌ی حاکمیت دین خدا، حاکمیت حق، حاکمیت عدل، به قلّه‌ی رسیدن به مقصود و غرض از خلقت انسانی که عبارت از تکامل انسان و کمال بشری باشد خواهید رسید؛ کاری که از بعد از زمان رسول خدا تا امروز انجام نگرفته...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۶/۱۵).

ث. اطاعت از رهبر

آیات بسیاری از قرآن کریم به اطاعت از رهبر جامعه امر کرده است. خواه رهبر جامعه رسول خدا باشد، یا فرد صالحی که از طرف خدا و رسول بر این امر گمارده شده باشد. مثل ذوالقرنین، هارون در زمان موسی، امیرالمومنین علی (علیه السلام)، طالوت و...؛ شاخصه اطاعت‌پذیری از رهبر جامعه، روحیه مقاومت را در جامعه قوت می‌بخشد (حسینی نودادی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰). از این رو قرآن، افرادی را که مطیع رهبر بودند، الگوی مقاومت دانسته، و سرانجام آنان را فوز

و سعادت ابدی قرار داده است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ آنانکه از خدا و رسولش اطاعت کنند، و از خدا بترسند کامیابند» (نور: ۵۲).

نتیجه‌گیری

پیامبران الهی رسالتی جز هدایت بشر نداشته‌اند؛ و از مهم‌ترین عوامل و شرایط هدایت، استقامت است. بدون استقامت و با وجود سختی‌های فراوان در مسیر هدایت، انسان هرگز به مقصد نخواهد رسید. تبعی که در آیات قرآن کریم و بیانات رهبری معظم انقلاب پیرامون مسأله استقامت صورت گرفت، نشان داد که استقامت یک وظیفه همگانی است که رهبر جامعه به همراه مردم باید نسبت به آن اقدام کنند زیرا مقاومت رهبر بدون امت به نتیجه نخواهد رسید. همچنین اموری مانند: ایمان به امدادهای الهی، توکل، امید به اجر الهی، برخورداری از عزم راسخ و اطاعت از رهبر، از عوامل افزایش روحیه مقاومت میان مؤمنان است.

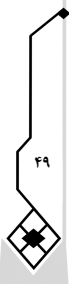


منابع و ماخذ

- * ترجمه قرآن کریم، انصاریان، حسین (۱۳۸۳). چ اول. قم: اسوه.
- * ترجمه نهج البلاغه، دشتی، محمد (۱۳۸۶). چ اول. تهران: آدینه.
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق). التحریر و التنویر، ج ۱۱. بیروت: مؤسسه التاریخ.
 ۲. آلوسی، شهاب الدین (۱۴۱۵ ق). روح المعانی، ج ۱۲، چ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۳. جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۵، چ ۴. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۴. حسینی نودادی، عبدالرسول (۱۴۰۴)، «شاخصه های اجتماعی الگوی برتر مقاومت». مجموعه مقالات همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم.
 ۵. رازی، فخرالدین (۱۴۰۷ ق). مفاتیح الغیب، ج ۱۸. بیروت: دار الحیاه العربی.
 ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). مفردات الفاظ قرآن. تهران: صادق.
 ۷. زمخشری، محمد بن عمر بن محمد (۱۴۰۷ ق). کشاف عن الحقائق و غوامض التنزیل، ج ۲. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (۱۴۰۴ ق). درالمنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶. قم: منشورات المکتبه آیت الله مرعشی نجفی.



۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۱. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان، ج ۵، تهران: ناصر خسرو.
۱۱. طریحی نجفی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، ج ۳، چ ۳. تهران: ناصر خسرو.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی التفسیر القرآن، ج ۶. بیروت: دارالتراث العربی.
۱۳. عسگری، ابوالهلال (۱۴۱۲ ق). معجم الفروع اللغویه بترتیب وزیاده، ج ۱. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. غضنفری، علی (۱۳۸۱). ره رستگاری، ج ۲. قم: لاهیجی.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، ج ۵. تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۲). «مبانی رهبری در اسلام»، پاسدار اسلام، شماره ۱۴۶.
۱۷. مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ ق). التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). امامت و رهبری، چ ۲. تهران: ناصر خسرو.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۹. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. معین، محمد (۱۳۵۱). فرهنگ فارسی، ج ۱. تهران: امیرکبیر.



Moral Resistance in Everyday Life: An Ethical Explanation of the Continuation of Social Roles Based on the Theory of Existential Proportionality

Mohammad Ali Mobini

Associate Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Institute of Islamic Philosophy and Theology, Department of Moral Philosophy. Corresponding Author

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

Maliheh Ghodrati

Level 3 in Islamic Theology, Zahra Seminary, Meybod.

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

Abstract

Human societies face disruption in everyday life during crises such as war and insecurity. In such conditions, some individuals stop performing their social roles, while others, despite the pressures, continue their family, professional, and social responsibilities. The question of this research is what ethical meaning this perseverance carries. With an analytical-conceptual approach and relying on the theory of “existential proportionality” and the teachings of the Holy Quran, the research shows that the responsible continuation of roles under crisis conditions is a kind of “moral resistance”; because the voluntary agent consciously acts to preserve or strengthen proportionality and harmony within the network of human relations. Within this framework, persistence in performing roles prevents the collapse of social relations and helps sustain moral and social order.

Keywords: theory of existential proportionality, moral resistance, performance of social roles, crisis ethics, family.



المقاومة الأخلاقية في الحياة اليومية: تبين أخلاقي لاستمرار الأدوار الاجتماعية على أساس نظرية التناسب الوجودي

محمد علي ميني

محمد علي ميني، أستاذ مشارك في معهد بحوث العلوم والثقافة الإسلامية في قم، معهد الفلسفة والكلام الإسلامي، قسم فلسفة الأخلاق. الباحث المسؤول

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

مليحة قدرتي

طالبة حوزوية في المستوى الثالث في علم الكلام الإسلامي، المدرسة العلمية حضرت الزهراء عليها السلام في ميبد

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

المخلص

تواجه المجتمعات الإنسانية اضطراباً في الحياة اليومية في أزمات مثل الحرب وانعدام الأمن. وفي هذه الظروف، يتوقف بعض الأفراد عن أداء أدوارهم الاجتماعية، لكن مجموعة أخرى تواصل، رغم الضغوط، مسؤولياتها الأسرية والمهنية والاجتماعية. والسؤال الذي يطرحه هذا البحث هو: ما المعنى الأخلاقي لهذا الثبات؟ ويُظهر البحث، من خلال مقارنة تحليلية-مفهومية وبالاعتماد على نظرية «التناسب الوجودي» وتعاليم القرآن الكريم، أن الاستمرار المسؤول في الأدوار في ظروف الأزمة يُعد نوعاً من «المقاومة الأخلاقية»؛ لأن الفاعل المختار يبادر بوعي إلى حفظ التناسب والانسجام في شبكة العلاقات الإنسانية أو تعزيزهما. وفي هذا الإطار، فإن الثبات على أداء الأدوار يمنع انهيار العلاقات الاجتماعية ويساعد على استمرار النظام الأخلاقي والاجتماعي. الكلمات المفتاحية: نظرية التناسب الوجودي، المقاومة الأخلاقية، أداء الدور الاجتماعي، أخلاق الأزمات، الأسرة.



مقاومت اخلاقی در زندگی روزمره: تبیین اخلاقی استمرار نقش‌های اجتماعی بر اساس نظریه تناسب وجودی

محمد علی مبینی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، گروه فلسفه اخلاق.
(نویسنده مسئول)

Email: ma.mobini@isca.ac.ir

ملیحه قدرتی

طلبه سطح ۳ رشته کلام اسلامی، مدرسه علمیه حضرت زهرا(س) میبد.

Email: maliheh.ghodrati63df@gmail.com

چکیده

بحران‌هایی نظیر جنگ، بلایای طبیعی و آشفتگی‌های سیاسی، نظم زندگی روزمره و استمرار ایفای نقش‌های اجتماعی را با چالشی جدی مواجه می‌کنند. در چنین شرایطی، در حالی که برخی افراد از مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و حرفه‌ای خود فاصله می‌گیرند، گروهی دیگر با پایداری آگاهانه به ایفای نقش‌های خویش ادامه می‌دهند. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین اخلاقی این پایداری و واکاوی پشتوانه نظری آن است. این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی-مفهومی و تکیه بر نظریه «تناسب وجودی» و آموزه‌های قرآنی، استدلال می‌کند که استمرار مسئولانه نقش‌ها در شرایط بحران، فراتر از یک وظیفه معمول، نوعی «مقاومت اخلاقی» است. براساس این نظریه، کنشگر با حفظ پیوندهای انسانی، مانع از فروپاشی نظم اجتماعی شده و به تحقق هماهنگی وجودی کمک می‌کند. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت اخلاقی، فرایندی چندساحتی است که با پاسداشت جایگاه وجودی دیگران، به تعادل روابط و تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه در بحران می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: نظریه تناسب وجودی، مقاومت اخلاقی، ایفای نقش اجتماعی، اخلاق بحران، خانواده.



مقدمه

زندگی اجتماعی همواره در معرض بحران‌هایی است که امنیت و نظم روزمره را تهدید می‌کنند؛ مانند جنگ، بلایای طبیعی یا آشفتگی‌های سیاسی که افراد را با تصمیم‌های دشوار اخلاقی روبه‌رو می‌سازد. در این شرایط، برخی از ایفای نقش‌های خود دست می‌کشند، اما گروهی دیگر همچنان بر مسئولیت‌هایشان پایدار می‌مانند؛ پزشکانی که در جبهه خدمت می‌کنند، معلمانی که در محیط‌های ناامن آموزش را رها نمی‌کنند و والدینی که در فشارهای اجتماعی از آرامش خانواده پاسداری می‌کنند.

این پایداری در ظاهر ادامه تعهد حرفه‌ای یا خانوادگی است، اما در سطحی عمیق‌تر معنایی اخلاقی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که این استمرار چگونه واجد ارزش اخلاقی می‌شود و پشتوانه نظری آن چیست؟ با تکیه بر نظریه «تناسب وجودی» و برخی آموزه‌های قرآنی، نشان داده می‌شود که پایداری در ایفای نقش‌ها نوعی کنش اخلاقی و نمود «مقاومت اخلاقی» است؛ زیرا به حفظ تناسب در روابط انسانی و استمرار نظم اجتماعی یاری می‌رساند.

۱. تناسب وجودی؛ چارچوب اخلاقی روابط و نقش‌ها

تناسب وجودی؛ چارچوب اخلاقی روابط و نقش‌ها نظریه «تناسب وجودی» ارزش اخلاقی را در برقراری رابطه‌ای هماهنگ و متناسب میان موجودات می‌داند؛ رابطه‌ای که در آن جایگاه و حق هر طرف رعایت می‌شود (مبینی، ۱۳۹۲،



ص ۶). هنگامی که این تناسب در عرصه کنش اختیاری انسان تحقق یابد، عمل اخلاقی شکل می‌گیرد؛ زیرا عامل با توجه به موقعیت خود و دیگران، رابطه‌ای را پدید می‌آورد که آن‌ها را در جایگاه وجودی شان حفظ و تقویت می‌کند (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۴). از این منظر، ارزش اخلاقی تابع پیامدهای سودمند نیست، بلکه ریشه آن در خود تناسب برقرارشده در رابطه نهفته است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۶).

جامعه انسانی بر شبکه‌ای از روابط و نقش‌ها استوار است و هر فرد در جایگاهی مشخص، مسئولیتی بر عهده دارد. ایفای این نقش‌ها نوعی رابطه انسانی می‌سازد؛ از رابطه پزشک و بیمار و معلم و شاگرد تا پیوند والد و فرزند یا شهروند و جامعه. تداوم حیات اجتماعی زمانی امکان‌پذیر است که این نقش‌ها به درستی ایفا شوند و تناسب میان طرفین حفظ گردد.

بر پایه نظریه تناسب وجودی، انجام مسئولانه نقش‌های اجتماعی خود تحقق تناسب در روابط انسانی است؛ زیرا در آن جایگاه و حقوق هر طرف رعایت می‌شود، و در مقابل، سستی یا رها کردن مسئولیت‌ها این تناسب را مختل کرده و به آشفتگی نظم اجتماعی می‌انجامد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۸). این چارچوب در ادامه مبنای تحلیل «استمرار نقش‌ها در بحران» به عنوان کنشی اخلاقی و عامل حفظ تعادل روابط اجتماعی قرار می‌گیرد.

۲. مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر اساس نظریه تناسب وجودی

مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر اساس نظریه تناسب وجودی برای تحلیل

«مقاومت اخلاقی» در شرایط بحران، می‌توان مدلی مرحله‌مند برپایه نظریه تناسب وجودی ارائه کرد. این نظریه نشان می‌دهد مقاومت اخلاقی صرفاً واکنشی روانی نیست، بلکه فرایندی اخلاقی - وجودی است که در بستر روابط انسانی و با نظریه افق توحیدی معنا می‌یابد. مطابق این نظریه، ارزش اخلاقی زمانی تحقق دارد که عامل مختار آگاهانه برای برقراری یا حفظ رابطه‌ای متناسب اقدام کند؛ رابطه‌ای که در آن جایگاه وجودی طرفین رعایت شود. از این رو، مقاومت اخلاقی یکی از روشن‌ترین مصادیق کنش اخلاقی در بحران است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). این فرایند را می‌توان در چهار مرحله تحلیل کرد:

مرحله اول: ادراک جایگاه وجودی و شبکه نسبت‌ها نخست، فرد باید جایگاه خود را در شبکه روابط انسانی بشناسد؛ زیرا در نظریه تناسب وجودی هیچ کنش اخلاقی بدون فهم حداقلی از نسبت‌ها امکان‌پذیر نیست. بحران‌ها این فهم را با ابهام و سردرگمی تهدید می‌کنند. مقاومت اخلاقی در این سطح یعنی حفظ معنا و نپذیرفتن فروکاست نقش‌ها به بی‌اهمیتی. نظریه تناسب وجودی یادآور است که اخلاق تنها در رفتار ظاهر نمی‌شود، بلکه ساحت شناختی انسان را نیز دربرمی‌گیرد و حفظ این ادراک بخشی از کنش اخلاقی است (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

مرحله دوم: پذیرش مسئولیت و جهت‌گیری ارادی پس از شناخت جایگاه، فرد باید به‌طور ارادی مسئولیت‌های برخاسته از آن را بپذیرد. این پذیرش، جهت‌گیری‌ای درونی برای حفظ تناسب روابط است، نه نتیجه فشار بیرونی. از



نگاه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی زمانی شکل می‌گیرد که کنش از اراده مختار برآید؛ استمرار ناشی از اجبار یا عادت اگرچه مفید، الزاماً اخلاقی نیست (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). بحران‌ها این مرحله را دشوار می‌سازند، زیرا میل به کناره‌گیری و ناامیدی تقویت می‌شود. مقاومت اخلاقی یعنی غلبه بر این گرایش‌ها و نگه داشتن نیت برای ایفای نقش متناسب.

مرحله سوم: استمرار در ایفای نقش‌های اجتماعی مرحله سوم بروز بیرونی مقاومت اخلاقی است. فرد برپایه شناخت و نیت خویش به ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، حرفه‌ای یا اجتماعی ادامه می‌دهد. در نظریه تناسب وجودی، عمل اخلاقی عملی است که جایگاه وجودی عامل و دیگران را حفظ یا تقویت کند. استمرار نقش‌ها در بحران دقیقاً چنین نقشی دارد؛ زیرا مانع گسست روابط و فروپاشی نظم اجتماعی می‌شود. در این نگاه، ادامه دادن کار درست صورتی اصیل از مقاومت اخلاقی است و بسیاری از مصادیق آن در همین پایداری آرام و روزمره تحقق می‌یابد.

مرحله چهارم: تحقق تناسب وجودی فراگیر و زیبایی اخلاقی در نهایت، استمرار مسئولانه نقش‌ها به ایجاد هماهنگی و تناسب در روابط فردی و اجتماعی می‌انجامد؛ هماهنگی‌ای که می‌توان آن را زیبایی اخلاقی نامید. ارزش این تناسب تنها کارکردی نیست و دارای ارزش مستقل اخلاقی است. در افق توحیدی نظریه تناسب وجودی، کامل‌ترین شکل تناسب، هماهنگی انسان با خداوند است. هنگامی که فرد انجام مسئولیت‌های خود را در نسبت با خداوند

می‌بیند، در تحقق این تناسب فراگیر سهمیم می‌شود؛ تناسبی که غایت نهایی اخلاق و جلوه‌ای از زیبایی مطلق است.

۳. دلالت‌های نظری

دلالات‌های نظری مدل مفهومی مقاومت اخلاقی بر پایه نظریه تناسب وجودی، افزون بر تبیین پایداری اخلاقی در بحران، چند دلالت بنیادین برای فهم ماهیت اخلاق در زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد.

نخست، مقاومت اخلاقی را نمی‌توان به مفاهیم سیاسی یا روان‌شناختی فروکاست. در رویکردهای رایج، مقاومت معمولاً به ایستادگی در برابر تهدید بیرونی یا تلاش برای بقا محدود می‌شود؛ اما در نظریه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی نه وابسته به پیامدهاست و نه تابع سود فردی یا جمعی. در این چارچوب، مقاومت اخلاقی تلاشی آگاهانه برای حفظ یا برقراری رابطه‌ای متناسب در شبکه روابط انسانی است؛ ارزشی که مستقل از نتایج بیرونی معنا می‌یابد.

دலالت دوم، چندساحتی بودن مقاومت اخلاقی است. این مفهوم تنها رفتار بیرونی نیست، بلکه فرایندی شامل ساحت‌های شناختی، گرایشی و عملی انسان است. مقاومت از شناخت جایگاه فرد در شبکه روابط آغاز می‌شود، با پذیرش ارادی مسئولیت و نیت اخلاقی تداوم می‌یابد و در استمرار ایفای نقش‌ها تحقق می‌یابد. بدین سان، حتی حفظ امید، نیت صادقانه یا احساس وظیفه در



بحران، می‌تواند بخشی از کنش اخلاقی محسوب شود.

دلالت سوم، تأکید بر ماهیت رابطه محور اخلاق است. نظریه تناسب وجودی اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد انتزاعی نمی‌داند، بلکه آن را کیفیت روابط میان موجودات می‌داند که در آن حق و جایگاه طرفین رعایت می‌شود. استمرار نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در بحران، حفظ همین جایگاه‌ها و جلوگیری از فروپاشی شبکه روابط انسانی است؛ ازاین‌رو، مقاومت اخلاقی در سطح اجتماعی پاسداری از نظم وجودی جامعه به شمار می‌آید.

دلالت چهارم، توجه به افق الهی اخلاق است. در این نظریه، کامل‌ترین شکل تناسب زمانی حاصل می‌شود که رابطه انسان با خداوند نیز در نظر گرفته شود؛ زیرا خداوند مرجع نهایی همه روابط است. بدین‌سان، کنش اخلاقی مشارکت در تحقق تناسبی فراگیر میان انسان، جهان و خداست. فردی که مسئولیت خویش را در نسبت با خدا می‌بیند، در هماهنگی وجودی جهان سهیم می‌شود و در مسیر زیبایی اخلاقی گام می‌گذارد.

براین اساس، مقاومت اخلاقی نه واکنشی به بحران، بلکه کوششی برای حفظ نظم وجودی روابط و مشارکت در هماهنگی اخلاقی عالم است؛ برداشتی که میان اخلاق فردی، نظم اجتماعی و افق توحیدی زندگی پیوند برقرار می‌کند. چنان‌که رهبرانقلاب اسلامی می‌فرمایند: «مقاومت اخلاقی نوعی استقامت مبتنی بر ایمان و فضایل اخلاقی است که در آن فرد یا جامعه برای حفظ حق، عدالت و کرامت انسانی در برابر ظلم و فشارها ایستادگی می‌کند» (بیانات

۳/۳/۱۳۸۸، دیدار با بسیجیان).

۴. اخلاق ایفای نقش در شرایط بحران

اخلاق ایفای نقش در شرایط بحران شرایط بحران بسیاری از الگوهای عادی زندگی اجتماعی را مختل می‌کند و افراد را با فشارهای روانی، اقتصادی و امنیتی روبه‌رو می‌سازد. احساس ناامنی معمولاً انگیزه استمرار فعالیت‌های روزمره را کاهش داده و گرایش به کناره‌گیری از مسئولیت‌ها را تقویت می‌کند.

با این حال، تجربه‌های تاریخی نشان داده است که در سخت‌ترین وضعیت‌ها نیز گروهی از افراد نقش‌های خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی خود را رها نمی‌کنند. این پایداری را نمی‌توان صرفاً به تعهد شغلی یا عادت نسبت داد؛ بلکه در لایه‌ای عمیق‌تر نمود نوعی استقامت اخلاقی است. در این چارچوب، ادامه کار پزشک، ایستادگی معلم در کلاس، مراقبت والدین از خانواده و مسئولیت‌پذیری شهروندان، همگی مصادیقی از حفظ تناسب در روابط انسانی‌اند.

مقاومت اخلاقی به مثابه حفظ نظم زندگی مفهوم مقاومت معمولاً در ادبیات سیاسی و نظامی به ایستادگی در برابر دشمن بیرونی اشاره دارد؛ اما در سطحی عمیق‌تر می‌توان از مقاومتی سخن گفت که در دل زندگی روزمره شکل می‌گیرد و هدف آن پاسداری از نظم انسانی و اخلاقی جامعه است. در بحران‌ها، تهدید اصلی فروپاشی نظم زندگی است: ناامنی، کاهش اعتماد، اختلال در خدمات



عمومی و تضعیف امید اجتماعی، پیوندهای انسانی را سست می‌کند. در چنین وضعیتی، استمرار مسئولانه فعالیت‌های مهمی چون آموزش، درمان، کار، تربیت فرزندان و حمایت عاطفی نقشی اساسی در حفظ ساختار اجتماعی دارد.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، این پایداری تلاشی برای حفظ تناسب در شبکه روابط انسانی است؛ زیرا هر نقش بخشی از این شبکه است و تداوم آن به معنای دوام روابط متناسب میان افراد جامعه است. بنابراین، فردی که در شرایط دشوار به مسئولیت خود پایبند می‌ماند، در حقیقت از اختلال و گسست در این شبکه جلوگیری می‌کند (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۹).

قرآن کریم نیز به چنین پایداری‌ای فرمان می‌دهد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲). هرچند خطاب آیه به پیامبر اسلام ﷺ است، عبارت «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» نشان می‌دهد که مؤمنان نیز در این دعوت به استقامت شریک‌اند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۱، ص ۶۴). واژه «تاب» در معنای بازگشت به سوی خدا همه مؤمنان را دربرمی‌گیرد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۷ش، ج ۵، ص ۲۹۵). با توجه به سیاق آیات - که پس از بیان سرگذشت امت‌های پیشین و یادآوری قیامت آمده - مقصود آن است که پیامبر و همراهانش باید بر مسیر حق ثابت قدم بمانند (جعفری‌نیا، ۱۳۹۷ش، ج ۵، ص ۲۹۴).

از این منظر، استقامت تنها ایستادگی در میدان نبرد نیست، بلکه به معنای ماندن در جای درست و پایدار ماندن بر مسیر حق است. بدین سان، استمرار آگاهانه در انجام مسئولیت‌های روزمره می‌تواند مصداقی از استقامت اخلاقی و



جلوه‌ای از «مقاومت اخلاقی» در حیات اجتماعی باشد.

ارزش اخلاقی ماندن در جایگاه مسئولیت یکی از تهدیدهای جدی دوران بحران، شکل‌گیری این تصور است که «نقش فردی بی‌اهمیت است». هنگامی که افراد احساس کنند حضور یا غیاب‌شان تأثیری در سرنوشت جامعه ندارد، تمایل به کناره‌گیری افزایش می‌یابد و این امر به انفعال اجتماعی و در نهایت تضعیف نظم جمعی می‌انجامد.

زندگی اجتماعی بر شبکه‌ای از نقش‌های مکمل استوار است؛ هر فرد بخشی از این شبکه را می‌سازد و اختلال در هر بخش می‌تواند کل نظام را تحت تأثیر قرار دهد. نقش‌هایی چون پزشک، معلم، کارگر، مدیر، پژوهشگر یا والد، گرچه متفاوت‌اند، اما در استمرار زندگی اجتماعی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و هماهنگی آن‌ها شرط حفظ نظم جامعه است.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، ارزش اخلاقی پایبندی به مسئولیت از آن روست که فرد با وفاداری به موقعیت خویش، تناسب و تعادل روابط انسانی را پاسداری می‌کند. انجام درست وظیفه به معنای ادای حق رابطه‌ای است که فرد با دیگران دارد و این امر جایگاه وجودی اشخاص را در شبکه روابط اجتماعی تقویت کرده و جامعه را از آشفتگی دور می‌سازد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۹).

خانواده؛ کانون پایداری اخلاقی در بحران خانواده از نخستین عرصه‌هایی است که نشانه‌های بحران در آن آشکار می‌شود. بحران‌های اجتماعی پیش از آنکه ساختارهای کلان را مختل کنند، ابتدا بر روحیه افراد و فضای عاطفی خانه



اثر می‌گذارند؛ از این رو، تزلزل روانی و عاطفی خانواده‌ها جامعه را از درون آسیب‌پذیر می‌سازد.

به همین دلیل، خانواده را می‌توان مهم‌ترین کانون مقاومت اخلاقی در شرایط بحران دانست. خانواده‌ای که در میان فشارهای اجتماعی پیوندهای عاطفی خود را حفظ کرده و اعضایش نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند، عملاً به استمرار نظم اخلاقی جامعه کمک می‌کند. پایداری اخلاقی در خانواده زمانی تحقق می‌یابد که اعضا - به‌ویژه صاحبان نقش‌های محوری - بتوانند با تعادل روانی، حمایت متقابل و مدیریت عاطفی، فضای خانه را از یأس و آشفتگی دور نگه دارند. والدینی که در شرایط دشوار همچنان به تربیت، مراقبت و ایجاد آرامش می‌پردازند، نمونه بارز این پایداری‌اند.

در چارچوب نظریه تناسب وجودی، روابط خانوادگی هنگامی ارزش اخلاقی دارند که جایگاه وجودی هر عضو محترم شمرده شده و هرکس مسئولیت متناسب با موقعیت خود را ایفا کند. چنین روابطی نوعی تناسب پایداری در خانواده ایجاد می‌کند که به سلامت اخلاقی جامعه منتهی می‌شود (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۸).

افق الهی مسئولیت و پایداری در نگاه دینی، مسئولیت انسان تنها در نسبت با جامعه تعریف نمی‌شود، بلکه در افق الهی معنا می‌یابد. مؤمن زندگی خویش را در محضر خداوند می‌بیند؛ از این رو حتی فعالیت‌های عادی، اگر با نیت الهی همراه باشند، شأنی متعالی پیدا کرده و به رفتاری اخلاقی و عبادت‌گونه تبدیل

می‌شوند. این نگرش سبب می‌شود که فرد در شرایط دشوار دچار احساس بیهودگی نشود و تلاش‌های خود را همچنان معنادار بداند.

این رویکرد در نظریه تناسب وجودی نیز نقشی اساسی دارد. کامل‌ترین شکل تناسب زمانی تحقق می‌یابد که رابطه انسان با خداوند نیز در نظر گرفته شود؛ زیرا نیت الهی می‌تواند کنش‌های مسئولانه را در مسیر ایجاد نوعی تناسب گسترده در روابط انسانی قرار دهد (مبینی، ۱۳۹۲، ص ۱۳). بنابراین حتی انجام وظایف معمول روزمره. اگر با جهت‌گیری الهی انجام شود. بخشی از تحقق تناسب وجودی و نظم اخلاقی به شمار می‌آید.

بر همین اساس، سهم افراد در مقاومت اخلاقی محدود به میدان‌های آشکار نیست. هرکس که در شرایط سخت، مسئولیت‌های خانوادگی، اجتماعی یا حرفه‌ای خود را با ثبات، درست‌کاری و نیت الهی انجام دهد، در حفظ پایداری اخلاقی جامعه سهیم است. این پایداری هم به استمرار نظم اجتماعی کمک می‌کند و هم بیانگر تعهد انسان در برابر خداوند و دیگران است.

نتیجه‌گیری جنگ و بحران، میدان آزمون ارزش‌های اخلاقی‌اند؛ زیرا نظم عادی زندگی را برهم می‌زنند و افراد را در معرض فشارهای روانی و اجتماعی قرار می‌دهند. با این حال، استمرار مسئولانه در ایفای نقش‌های اجتماعی می‌تواند انسجام و پایداری جامعه را حفظ کند.

بر اساس نظریه تناسب وجودی، کنش اخلاقی زمانی ارزشمند است که انسان به صورت آگاهانه تناسب و تعادل را در روابط انسانی برقرار سازد و جایگاه وجودی

دیگران را پاس بدارد. از این منظر، ایفای درست نقش‌ها در شرایط بحران تلاشی برای حفظ تناسب در شبکه روابط انسانی و صیانت از نظم اجتماعی است؛ تلاشی که جلوه‌ای از زیبایی اخلاقی در هماهنگی و تعادل میان انسان‌ها را آشکار می‌سازد.

بنابراین، مقاومت تنها در کنش‌های استثنایی و میدان‌های آشکار معنا نمی‌شود؛ بلکه در پایداری اخلاقی انسان‌ها در زندگی روزمره نیز تحقق می‌یابد. این پایداری از خانواده تا عرصه‌های اجتماعی و حرفه‌ای - جامعه را از فروپاشی محافظت کرده و بنیادهای اخلاقی آن را استوار نگه می‌دارد. نوآوری مقاله نیز در همین است که استمرار نقش‌های روزمره را نه صرفاً یک وظیفه عملی، بلکه صورت‌بندی‌ای از مقاومت اخلاقی در افق تناسب وجودی تفسیر می‌کند.



منابع و ماخذ

قرآن کریم

۱. جعفری نیا، یعقوب (۱۳۷۷). تفسیر کوثر. قم: اسوه.
۲. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). هنر زیبایی از دیدگاه اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۱). تفسیر قرآن مهر. قم: دار العلم.
۵. سایت رهبری بیانات، خرداد ۱۳۸۸.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. مبینی، محمد علی (۱۳۹۲). تناسب و سازگاری وجودی به منزله ارزش بنیادین. فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، ش ۶۹،



The Impact of the Leadership Discourse on the Lifestyle of Resilient Families

Hanieh Mazarchi

Master's Degree in Psychology, Level 4 in Quranic Studies from Jameat al-Zahra, Seminary and University Lecturer.

Email: h.mazarchi@chmail.ir

Abstract

The family, as the principal pillar of society, plays an effective role in shaping the character of children for proper upbringing and the deepening of religious beliefs. A future of combined prosperity for society will be achieved if the family strives toward the exaltation of the religion of Islam. Promoting the culture of resistance plays a special role in preserving religion and reviving Islamic values; as the martyred leader of the Islamic Revolution, in his statements, including the statement of the Second Step of the Revolution, has emphasized the promotion of the culture of resistance in Islamic societies, especially among the youth, so that an effective step may be taken in advancing the goals of the Revolution and reaching the Mahdist society. Since the martyred leader of the Revolution is a distinguished model of the ethics of resistance, transmitting his discourse leads to proper emulation, and in its light, moral values in the field of resistance can be created and developed within the family. In this regard, the present research, using a descriptive-analytical method, seeks to answer this question: what is the effect of the leadership discourse on the lifestyle of resilient families? The findings of the research indicate that the school of our martyred leader, derived from pure Muhammadan Islam, is founded on principles such as justice-seeking, dignity, responsibility, independence-seeking, freedom, and insight. The basis of Islam regarding the promotion of this culture is founded on divine satisfaction, and practical commitment to it will result in security, welfare, and public justice in society.

Keywords: martyred leader of the Revolution, culture of resistance, school of the Revolution, resilient family.



تأثير خطاب القيادة على نمط حياة الأسر المقاومة

حانية مازارچي

حاصلة على درجة الماجستير في علم النفس، المستوى الرابع في معارف القرآن من جامعة الزهراء، ومدرسة في الحوزة والجامعة

Email: h.mazarchi@chmail.ir

الملخص

تُعَدُّ الأسرة، بوصفها الركن الأساسي للمجتمع، ذات دورٍ فعّالٍ في تشكيل شخصية الأبناء من أجل التربية الصحيحة وتعميق المعتقدات الدينية. ولا يتحقق مستقبلٌ مقرونٌ بسعادة المجتمع إلا إذا سعت الأسرة إلى رفعة دين الإسلام. إن نشر ثقافة المقاومة يؤدي دورًا خاصًا في حفظ الدين وإحياء القيم الإسلامية؛ كما أن القائد الشهيد للثورة الإسلامية، في بياناته، ومنها بيان الخطوة الثانية للثورة، قد أكد على نشر ثقافة المقاومة في المجتمعات الإسلامية، ولا سيما بين الشباب، حتى يمكن اتخاذ خطوة فعّالة في دفع أهداف الثورة والوصول إلى المجتمع المهدوي. وبما أن القائد الشهيد للثورة يُعَدُّ نموذجًا بارزًا لأخلاق المقاومة، فإن نقل خطابه يؤدي إلى الاقتداء الصحيح، وفي ضوءه يمكن إيجاد القيم الأخلاقية في مجال المقاومة داخل الأسرة وتنميتها. وفي هذا السياق، يسعى هذا البحث، بالمنهج الوصفي-التحليلي، إلى الإجابة عن هذا السؤال: ما تأثير خطاب القيادة على نمط حياة الأسر المقاومة؟ وتبين نتائج البحث أن مدرسة قائدنا الشهيد، المستمدة من الإسلام المحمدي الأصيل، تقوم على مبادئ مثل طلب العدالة، والاعتزاز، والمسؤولية، وطلب الاستقلال، والأبوية، والبصيرة. ويقوم أساس الإسلام في ما يتعلق بنشر هذه الثقافة على رضا الله، والالتزام العملي بها سيؤدي إلى الأمن والرفاه والعدالة العامة في المجتمع.

الكلمات المفتاحية: القائد الشهيد للثورة، ثقافة المقاومة، مدرسة الثورة، الأسرة المقاومة



تأثیر گفتمان رهبری بر سبک زندگی خانواده‌های مقاوم

حانیه مازارچی

کارشناسی ارشد روانشناسی، سطح ۴ معارف قرآن از جامعه الزهرا، مدرس حوزه و دانشگاه

Email: h.mazarchi@chmail.ir

چکیده

ترویج فرهنگ مقاومت، برای احیای ارزش‌های اسلامی ضرورت دارد و خانواده به عنوان اصلی‌ترین رکن اجتماع، نقش مؤثری در تعمیق ارزش‌های دینی دارد. رهبر شهید انقلاب اسلامی، در بیانات خویش، بر ترویج فرهنگ مقاومت در جوامع اسلامی تأکید نموده‌اند تا بتوان گام مؤثری در پیشبرد اهداف انقلاب و رسیدن به جامعه مهدوی برداشت. از آن جاکه رهبر شهید انقلاب، الگوی برجسته‌ی اخلاق مقاومت است، انتقال گفتمان ایشان، موجب الگوگیری صحیح ارزش‌های اخلاقی در حوزه‌ی مقاومت را در خانواده، ایجاد نمود و توسعه داد. در این راستا پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که گفتمان رهبری بر سبک زندگی خانواده‌های مقاوم چیست؟ یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مکتب رهبر شهیدمان برگرفته از اسلام ناب محمدی، بر اصولی چون عدالت خواهی، عزت‌مندی، مسئولیت، استقلال طلبی، آزادگی، و بصیرت استوار است. مبنای اسلام در مورد ترویج این فرهنگ مبتنی بر رضای الهی است و التزام عملی به آن سبب امنیت، رفاه و عدالت عمومی در جامعه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: رهبر شهید انقلاب، فرهنگ مقاومت، مکتب انقلاب، خانواده مقاوم، الگوگیری.



مقدمه

انبیا تعالیم الهی را جهت رساندن انسان به کمال و سعادت حقیقی بیان نموده و بالاترین درجه را برای متقین قرار داده است؛ انسان-ها باتقوایی که رضای الهی بر همه چیز مقدم می‌دارند. ایشار و شهادت در فرهنگ مقاومت، والاترین کرامتی است که نصیب بندگان خالص خداوند می‌شود و ترویج این فرهنگ در جامعه اسلامی، افزون بر حفظ دین و احیای ارزش‌های اسلامی، موجب تزکیه انسان‌ها در رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی خواهد شد. اهمیت جهاد در راه خدا به حدی است که شهادت جایگاهی در ردیف ایمان به خدا دارد: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (صف: ۱۱). «فی سبیل الله» در جهاد، بیانگر این است که جهاد باید در راه خدا و برای توحید و دفاع از حق، راندن دشمنان، و یا گشایش محیط توحید باشد (قرشی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۱، ص ۱۵۰). موج بیداری اسلامی و مقاومت در برابر استکبار و استعمار دشمنان، مرهون فرهنگ مقاومت، با تاسی از قرآن کریم است و انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ی بارزی از احیای این فرهنگ در دوران انقلاب و دفاع مقدس است که در دهه‌ی پنجم حیات خود موجب بینش امیدوارانه جامعه اسلامی شد. رهبر شهید انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته‌اند تا گامی مؤثر در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد. از آنجاکه رهبر شهیدمان نماد

اخلاق مقاومت در جامعه‌ی کنونی است، بررسی نظام فکری ایشان می‌تواند خطوط اصلی اخلاق مقاومت را به خوبی تصویر نماید، تا بتوان از طریق خانواده، نسل جدیدی را برای جهان اسلام تربیت نمود. از آنجاکه سلامت خانواده و جامعه دو مقوله درهم-تنیده است و سلامت خانواده منوط به آگاهی علمی و عملی خانواده در جهت دهی صحیح اعضای خانواده است، توأمانی بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی با آیات و روایات در پژوهش حاضر، اسلوبی نو و قابل توجه است.

روش‌شناسی

از آنجاکه پژوهش حاضر به بررسی و تبیین گفتمان رهبر شهید انقلاب اسلامی بر سبک زندگی خانواده‌های مقاوم می‌پردازد، ترویج فرهنگ مقاومت طبق بیانات ایشان؛ بالأخص براساس بیانیه گام دوم انقلاب مورد توجه است. توأمانی گفتمان رهبر شهید انقلاب با آیات و روایات در ترسیم الگوی صحیح در خانواده و جامعه، موجب شده که روش پژوهش توصیفی-تحلیلی باشد.

یافته‌های پژوهش

الگوی عملی بودن خانواده برای فرزندان

خانواده به عنوان الگویی عملی، نقش محوری در رفتار و باورهای فرزند دارد و فرزندان با الگوبرداری از رفتارهای والدین، بسیاری از آداب دینی را می‌آموزد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «خانواده، کلمه‌ای طیبه است. کلمه‌ی طیبه هم خاصیتش این است که وقتی یک جایی به وجود آمد، مرتب از خود برکت و



نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه‌ی طیبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده، اینها همه کلمه‌ی طیبه است؛ چه معنویات و چه مادی» (۱۳۷۹/۱۲/۱۵). امام حسن علیه السلام دوبار تمام اموال، و سه بار نیمی از اموالشان را در راه خدا انفاق نمودند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۶۷). ریشه این رفتار الگوبرداری از امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است؛ که سه روز متوالی پس از روزه‌دار بودن، غذای افطاری خویش را به مسکین، یتیم و اسیر انفاق کردند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تأثیر رفتار عملی در تربیت می‌فرماید: پندی که هیچ‌گوشی آن را بیرون نیفکنده و هیچ نفعی با آن برابر نبوده، پندی است که زبان گفتار از آن خاموش، و زبان عقل بر آن گویاست (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱). براین اساس ترویج فرهنگ مقاومت در فرزندان، متأثر از الگوی عملی والدین است که در ذیل رعایت مواردی از آن بیان می‌شود.

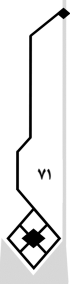
۱. تقویت روحیه استقلال و آزادی

تقویت روحیه استقلال و آزادی اهمیت ویژه‌ای در ترویج فرهنگ مقاومت دارد، رهبر شهید انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند: «استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی

الهی به انسان‌ها آیند ... منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند، ملت ایران با جهاد چهل ساله‌ی خود از جمله‌ی آن‌هاست. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ خداوند یکی از اهداف شهادت و جهاد را روحیه آزادی‌خواهی و نیز آزادی مستضعفان دانسته است و ذیل آیه ۷۵ سوره نساء تحریک و تشویق به جهاد و قتال برای آزادی هرانسان مستضعف و ناتوانی نموده است که به دست کفار به استضعاف کشیده شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۱۹)؛ بنابراین خانواده‌ها باید با تقویت روحیه استقلال و آزادی‌خواهی در خود و فرزندان در پایداری و مقاومت برسلطه بیگانگان گام نهند تا موجب جهاد در راه رسیدن به آرمان‌های والای اسلام خواهد شد.

۲. تقویت عزت ملی و استقلال طلبی

عزت ملی و استقلال طلبی موجب می‌شود انسان در برابر غیرخدا تسلیم نشود و برهرسلطه‌ای که منافعی کرامت انسانی است، مقاومت و مجاهدت نماید؛ زیرا سرچشمه اصلی عزت، خداوند یکتاست: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر: ۱۰) که مؤمنان را از عزت برخوردار نموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). رهبر شهید انقلاب عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن را شاخه‌هایی از اصل عزت دانستند و تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست



سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیرشدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه را از گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه دانستند. ایشان توصیه نمودند که دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند و از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد.

۳. برپایی عدالت و مبارزه با ظلم و فساد

در نگرش قرآن برپایی عدالت و مبارزه با ظلم و فساد از اهمیت بسزایی برخوردار است و فساد و افساد در زمین، به هرنحوی مردود شمرده شده: «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد: ۲۵) و هدف از جهاد در راه خدا ریشه‌کن نمودن فساد در زمین بیان شده است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶). رهبر شهید انقلاب در بیانیه گام دوم فرمودند: «عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند؛ فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌هاست؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تراز مقبولیت اجتماعی

است، بسیار جدّی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست». قرآن کریم فلسفه جهاد را احیای ذکر و یاد حق در پرستشگاه‌ها معرفی نموده است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰) اگر خدا شری بعضی از مردم را به-وسیله بعضی دفع نمی‌کرد، کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدها ویران می‌گشت و پایگاه مقدسی که در ادیان مختلف برای پرستش خدا در روی زمین بوجود آمده است، از بین می‌رفت. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۹) خداوند همچنین از اهداف مجاهدت را دفع شر و فتنه و برپایی عدالت معرفی نموده است (بقره: ۱۹۳) که هر زمانی فتنه‌ای در جایی مانع پیشرفت دعوت و رسالت حق شد، باید با مجاهدت این‌گونه فتنه‌ها را از میان برد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۸۳)؛ بنابراین خانواده‌ها باید با ترویج این فرهنگ در میان فرزندان، در برقراری بیشتر عدالت در جامعه تلاش نمایند.

۴. تقویت روحیه خودباوری و اراده ملی

پیروان راستین فرهنگ مقاومت طبق آیه ۲۱۸ بقره همواره نگاه امیدوارانه به آینده و برخورداری از رحمت و بخشش الهی دارند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۸۹) که هم شامل امید معنوی به رحمت الهی، و هم شامل امید به فتح و نصرت با کمی امکانات است (بقره: ۲۴۹). در میان سپاهیان طالوت آن‌ها که ایمان فکری و بینش واقعی داشتند و گمانشان به ملاقات

خدایشان افزایش می‌یافت، گفتند: چه- بسا گروه اندکی که بر گروه بسیاری چیره شدند به اذن خدا (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۸۸). رهبر شهیدمان در تأثیر نگرش امیدوارانه به آینده فرمودند: «نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت-های عینی است... دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید». ایشان با تأکید بر روحیه خودباوری فرمودند: «مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید». اراده یک ملت نقش مؤثری در تحول جامعه دارد و مقاومت برای رسیدن به هدف، موجب از بین رفتن موانع و مشکلات خواهد شد. امام علی علیه السلام فرمودند: «سوگند به خدا اگر تمام عرب به جنگ با من بپاخیزد، هرگز در صحنه نبرد به آن‌ها پشت نخواهم کرد» (نهج البلاغه، نامه ۴۵). امام علیه السلام با همین روحیه مقاومت و اراده بالا در خطاب به یاران که از اراده ضعیفی برخوردار بودند، از بهانه‌تراشی برخی بر گرمای تابستان و سرمای زمستان انتقاد نمودند (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) بدین جهت ترویج فرهنگ مقاومت در خانواده، نیازمند تقویت روحیه خودباوری در اعضای خانواده است.



۵. تقویت معنویت و اخلاق در جامعه

ترویج معنویت و اخلاق در جامعه، انسان را شایسته‌ی رسیدن به قرب الهی می‌کند و موجب می‌شود در راستای سعادت فرد و جامعه قدم بردارد و در برابر موانع با مقاومت و مجاهدت مسیر را هموار نماید. از نظر رهبر شهیدمان معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی تمام حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی، و نیاز اصلی جامعه است که هرچه بیشتر در جامعه رشد نماید، برکات بیشتری به بار خواهد آورد. طبق بیانیه گام دوم انقلاب در درجه اول باید خود انسان‌ها رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و در درجه دوم زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم نمایند. رهبر شهیدمان فرمودند: «باید عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشم‌گیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. مجاهدت‌های جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند، دل کردند و سپس آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند».

۶. ارتقای بینش و بصیرت

رهبر شهید انقلاب در مورد ارتقای بینش سیاسی و بصیرت جامعه فرمودند:

«(انقلاب) بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به‌گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب به‌خصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد». ایشان وظیفه‌ی مردم را اولاً دشمن‌شناسی دانستند، سپس دانستن نقشه‌ی دشمن، و بعد دانستن شیوه‌ی مقابله‌ی با نقشه‌ی دشمن». (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). این توصیه‌های ایشان در راستای بصیرت‌افزایی خانواده است که رمز ماندگاری نظام است.

۷. مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی

مشارکت در امور اجتماعی و احساس وظیفه در برابر مسائل اجتماعی به‌حدی حائز اهمیت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «کسی که صبح کند و اهتمام به امور مسلمانان نرزد، از آنان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۶۳). رهبر شهیدمان در اهمیت مسئولیت‌پذیری در حل مشکلات کشور تأکید نمودند و همه را در دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مسئول دانستند (۱۳۸۸/۱۱/۰۶). تلاش برای تقویت مسئولیت-پذیری در خانواده، موجب تربیت انسان‌های فداکار و شجاع برای دفاع از جامعه می‌شود.

نتیجه‌گیری

ترویج فرهنگ مقاومت گام موثری در جهت تحقق کمال و پیشرفت جامعه است که به انسان درس ایستادگی جهت حفظ آرمان‌های اسلامی و خدمت به هم‌نوع می‌دهد. از آنجا که خانواده نقش موثری در انتقال ارزش‌های انسانی در فرزندان دارد، باید هرچه بیشتر تلاش نماید تا با الگوگیری از گفتمان رهبر شهید انقلاب که برگرفته از آموزه‌های الهی است، مسیر ترقی و تعالی به سمت قله‌های رفیع دین را در خود و فرزندان ترسیم نماید تا موجب تعالی و کمال در خود و جامعه شود.

منابع و ماخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الائمه. چاپ اول. تبریز: بنی هاشمی.
۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنا عشری. چاپ اول. تهران: میقات.
۳. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵ش). تفسیر احسن الحدیث. چاپ دوم. تهران: بنیاد بعثت.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۸. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش). عیون الحکم والمواعظ. قم: دارالحدیث.

THE FOUNDATIONS OF SUSTAINABLE RESILIENCE IN NAVIGATING THE CRISES OF WAR: A COMPREHENSIVE LOOK AT THE PSYCHOLOGICAL, SPIRITUAL, AND ETHICAL DIMENSIONS

ALI AHMAD, PANAH

PhD, Assistant Professor and Faculty Member at the Research Institute of
Hawzah and University

ABSTRACT

WAR, AS ONE OF THE MOST SEVERE AND DESTRUCTIVE TYPES OF CRISES, LEAVES PROFOUND IMPACTS ON INDIVIDUALS, SOCIETY, AND THE HUMAN VALUE SYSTEM. RESILIENCE, AS THE CAPACITY OF AN INDIVIDUAL OR SOCIETY FOR POSITIVE ADAPTATION, RECOVERY, AND GROWTH IN THE FACE OF ADVERSITY, PLAYS A VITAL ROLE IN GETTING THROUGH THIS PERIOD. THIS STUDY, ADOPTING AN INTERDISCIPLINARY APPROACH, EXPLORES THE KEY MECHANISMS OF RESILIENCE AT THREE LEVELS—PSYCHOLOGICAL, ETHICAL, AND SPIRITUAL—USING A DESCRIPTIVE-ANALYTICAL METHOD. AT THE PSYCHOLOGICAL LEVEL, IT EXAMINES FACTORS SUCH AS SELF-EFFICACY, HOPE, COGNITIVE FLEXIBILITY, EMOTIONAL INTELLIGENCE, AND THE ABILITY TO REGULATE EMOTIONS, SHOWING HOW INDIVIDUALS ARE ABLE TO PRESERVE THEIR MENTAL HEALTH AND COPE WITH THE ACUTE STRESSES OF WAR. AT THE ETHICAL LEVEL, IT ADDRESSES THE ROLE OF FUNDAMENTAL VALUES, SPIRITUAL BELIEFS, A SENSE OF MEANING AND PURPOSE IN LIFE, AND THE MORAL CAPACITY FOR SACRIFICE AND SOLIDARITY, DEMONSTRATING HOW THESE DIMENSIONS GIVE DEEPER MEANING TO RESISTANCE AND PROVIDE THE MOTIVATION NECESSARY FOR SURVIVAL AND RECONSTRUCTION. THE AIM OF THIS ARTICLE IS TO IDENTIFY AND EXPLAIN THE COMPONENTS THAT HELP CREATE AND MAINTAIN SUSTAINABLE RESILIENCE DURING AND AFTER THE CRISIS OF WAR. SO THAT, BY RELYING ON THESE FOUNDATIONS, MORE EFFECTIVE STRATEGIES CAN BE DESIGNED TO EMPOWER INDIVIDUALS AND COMMUNITIES IN CONFRONTING FUTURE CHALLENGES. THIS ARTICLE OFFERS AN IN-DEPTH AND COMPREHENSIVE EXAMINATION OF THE FOUNDATIONS OF SUSTAINABLE RESILIENCE IN THE CRITICAL CONDITIONS OF WAR, WITH A FOCUS ON THE MULTIDIMENSIONAL PSYCHOLOGICAL, SPIRITUAL, AND ETHICAL DIMENSIONS.

KEYWORDS: RESILIENCE, WAR CRISIS, PSYCHOLOGICAL RESILIENCE, SOCIAL RESILIENCE, MORAL RESILIENCE, SPIRITUAL NORMS.

أسس الصمود المستدام في تجاوز أزمات الحرب: نظرة شاملة إلى الأبعاد النفسية والروحية والأخلاقية

علي أحمد، بناهي

حاصل على درجة الدكتوراه التخصصية، وأستاذ مساعد وعضو هيئة علمية في معهد بحوث الحوزة والجامعة

Email: apanahi@rihu.ac.ir

الملخص

تُعَدُّ الحرب واحدة من أشدّ أنواع الأزمات وأكثرها تدميراً، إذ تخلف آثاراً عميقة على الفرد والمجتمع ومنظومة القيم الإنسانية. ويؤدي الصمود، بوصفه قدرة الفرد أو المجتمع على التكيف الإيجابي والتعافي والنمو في مواجهة الشدائد، دوراً حيوياً في تجاوز هذه المرحلة. وتستكشف هذه الدراسة، من خلال مقارنة متعددة التخصصات، الآليات الأساسية للصمود على ثلاثة مستويات: النفسي والأخلاقي والروحي، وذلك باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي. فعلى المستوى النفسي، تُبحث عوامل مثل الكفاءة الذاتية، والأمل، والمرونة المعرفية، والذكاء العاطفي، والقدرة على تنظيم الانفعالات، وكيف تمكن هذه العوامل الأفراد من الحفاظ على صحتهم النفسية ومواجهة الضغوط الحادة للحرب. وعلى المستوى الأخلاقي، تتناول الدراسة دور القيم الأساسية، والمعتقدات الروحية، والشعور بالمعنى والغاية في الحياة، والقدرة الأخلاقية على التضحية والتضامن، وكيف تُضفي هذه الأبعاد معنى أعمق على المقاومة وتوفير الدافع اللازم للبقاء وإعادة البناء. ويهدف هذا المقال إلى تحديد وتفسير المكونات التي تسهم في إنشاء الصمود المستدام والحفاظ عليه أثناء أزمة الحرب وبعدها، بما يتيح، بالاعتماد على هذه الأسس، تصميم استراتيجيات أكثر فاعلية لتمكين الأفراد والمجتمعات في مواجهة تحديات المستقبل. كما يتناول هذا المقال دراسة معمقة وشاملة لأسس الصمود المستدام في ظروف الحرب الحرجة، مع التركيز على الأبعاد النفسية والروحية والأخلاقية متعددة الجوانب.

الكلمات المفتاحية: الصمود، أزمة الحرب، الصمود النفسي، الصمود الاجتماعي، الصمود الأخلاقي، المعايير الروحية



بنیان‌های تاب‌آوری پایدار در گذر از بحران‌های جنگ: نگاهی جامع به ابعاد روان‌شناختی، معنوی و اخلاقی

علی احمد پناهی

دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

Email: apanahi@rihu.ac.ir

چکیده

جنگ، به عنوان یکی از شدیدترین و مخرب‌ترین انواع بحران‌ها، تأثیرات عمیقی بر فرد، جامعه و نظام ارزشی انسان‌ها بر جای می‌گذارد. تاب‌آوری، به عنوان قابلیت فرد یا جامعه برای سازگاری مثبت، بازیابی و رشد در مواجهه با ناملایمات، نقشی حیاتی در گذر از این دوران ایفا می‌کند. این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای، سازوکارهای کلیدی تاب‌آوری را در سه سطح روان‌شناختی و اخلاقی و معنوی و با روش توصیفی - تحلیلی، مورد کاوش قرار می‌دهد. در سطح روان‌شناختی، به بررسی عواملی چون خودکارآمدی، امید، انعطاف‌پذیری شناختی، هوش هیجانی و توانایی تنظیم هیجانات پرداخته می‌شود که چگونه افراد قادرند سلامت روانی خود را حفظ کرده و با استرس‌های حاد جنگ مقابله نمایند و در سطح اخلاقی، به نقش ارزش‌های بنیادین، باورهای معنوی، احساس معنا و هدف در زندگی، و ظرفیت اخلاقی برای فداکاری و همبستگی پرداخته می‌شود که چگونه این ابعاد، معنایی عمیق‌تر به مقاومت بخشیده و انگیزه لازم برای بقا و بازسازی را فراهم می‌آورند.



مقدمه

بحران‌های ناشی از جنگ، به واسطه ماهیت ویرانگر و پیامدهای گسترده خود، یکی از چالش‌برانگیزترین عرصه‌ها برای بقا و شکوفایی انسان محسوب می‌شوند. این پدیده‌های مخرب، نه تنها زیرساخت‌های مادی و امنیت فیزیکی جوامع را هدف قرار می‌دهند، بلکه عمیق‌ترین لایه‌های روانی، شبکه‌های اجتماعی و نظام‌های ارزشی افراد را نیز مورد حمله قرار داده و موجی از تروما، فقدان، بی‌ثباتی و گسست را به ارمغان می‌آورند. از منظر علمی، تاب‌آوری را می‌توان توانایی غلبه موفقیت‌آمیز بر دشواری‌ها، سازگاری با فشارهای روان‌شناختی و تنش‌های مهم و مستمر، و به کارگیری تفکر خلاق و منعطف در جهت حل مسایل و چالش‌ها تعریف کرد. تاب‌آوری حاصل توانایی یادگیری، سازمان‌دهی و انطباق با شرایط دشوار و پاسخگویی انعطاف‌پذیر به فشارها است... برخورداری از سطوح بالای تاب‌آوری، نه تنها به بهبود روابط اجتماعی و افزایش توانایی مقابله با تعارضات و چالش‌ها کمک می‌کند، بلکه پایداری فرد را در شرایط بحرانی تقویت می‌نماید.

تاب‌آوری^۱ (سرسختی)، به مثابه یکی از ارکان بنیادین در ارتقای کیفیت ارتباطات اجتماعی و سلامت روان، نقشی حیاتی ایفا می‌کند، به ویژه آنگاه که جوامع با شرایط استثنایی همچون بحران‌های نظامی، جنگ‌های روانی و

1 Resilience



تنش‌های اجتماعی مواجه می‌شوند (فسترووینستین^۱، ۲۰۱۹، ص ۵۸-۶۶). با توجه به پیچیدگی و گستردگی تأثیرات جنگ، درک جامع و کامل تاب‌آوری نیازمند نگاهی فراتر از صرفاً جنبه‌های روان‌شناختی است. این پدیده، ریشه‌های عمیقی در بافت اجتماعی و چارچوب‌های اخلاقی و معنوی جامعه دارد. در سطح روان‌شناختی، عواملی چون ظرفیت‌های شناختی، تنظیم هیجانی، خودکارآمدی و امید، نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه پردازش تجارب جنگی و توانایی فرد برای غلبه بر استرس و تروما ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها، سازوکارهای درونی فرد برای حفظ سلامت روان و عملکرد بهینه در شرایط بحرانی را تشکیل می‌دهند. در سطح اجتماعی، تاب‌آوری به طور جدایی‌ناپذیری با انسجام گروهی، سرمایه اجتماعی، کیفیت شبکه‌های حمایتی و کارآمدی نهادهای اجتماعی گره خورده است. جوامع تاب‌آور، آن‌هایی هستند که از پیوندهای اجتماعی قوی، حس تعلق مشترک و توانایی بسیج منابع و حمایت‌ها در زمان بحران برخوردارند. این همبستگی اجتماعی، بستر لازم را برای تقویت تاب‌آوری فردی و جمعی فراهم می‌آورد و از انزوای افراد در مواجهه با سختی‌ها جلوگیری می‌کند. علاوه بر این دو بعد، جنبه اخلاقی و معنوی تاب‌آوری نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دل بحران‌های جنگی، ارزش‌هایی چون معنایابی، باور به هدفمندی زندگی، حس مسئولیت‌پذیری، فداکاری و پایبندی به اصول اخلاقی، می‌توانند به عنوان منبعی قدرتمند برای استقامت و مقاومت عمل

1 Foster & Weinstein

کنند. این ابعاد اخلاقی، به افراد کمک می‌کنند تا ضمن حفظ کرامت انسانی خود، در دل تاریکی و ویرانی، نوری از امید و انسانیت را برافروزند و انگیزه لازم برای بازسازی و احیای زندگی را بیابند.

نظر به خلأ پژوهشی مشهود در این حوزه، و با درک اهمیت حیاتی تاب‌آوری در استحکام بخشیدن به روابط اخلاقی و انسجام اجتماعی، به‌ویژه در مواجهه با بحران‌های خانمان‌سوز اجتماعی و جنگی، این تحقیق حاضر، در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی برمی‌آید: «راهکارهای ارتقای تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی و جنگی چیست؟». روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، رویکرد توصیفی و تحلیلی است.

یافته‌های پژوهش

عناصر و عوامل متعددی در افزایش و تقویت تاب‌آوری و سعه صدر افراد نقش ایفا می‌کنند. برخی از این عوامل کلیدی عبارتند از:

۱. اصلاح و تقویت باورهای بینشی و معرفتی

برخورداری از ایدئولوژی و جهان‌بینی صحیح، که مستلزم داشتن باور و معرفت درست نسبت به جهان، حیات بشری و اهداف غایی خلقت است، می‌تواند زمینه‌ساز رفع بسیاری از چالش‌ها و تعارضات بوده و مقاومت افراد را در مواجهه با دشواری‌ها افزایش دهد. سلامت‌بخش‌ترین جنبه دین، توانایی آن در کاستن از نگرانی‌ها و تشویش‌ها از طریق اعطای حس کنترل بر این دنیای مادی



است. این حس کنترل، از طریق باور و اعتقاد به حضور یک قدرت برتر و باشکوه و پیوند انسان با آن قدرت، که خود صاحب اراده و اختیار مطلق است (طه: ۵۰)، فراهم می‌گردد. این باور، همان اعتقاد به خدای یگانه است که از اهمیتی بنیادین در میان باورهای دینی برخوردار است. معرفت به خداوند متعال، موجب می‌شود فرد، تمامی هستی و زندگی را هدفمند و معنادار دریابد (بقره: ۱۵۶) و در رفتارهای خود، با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. همچنین، باور به اینکه هر چیزی جز خدا، فاقد ارزش و قدرت حقیقی است (بقره: ۱۳۹)، لازمه این نگرش است. باورهای معرفتی صحیح و مستحکم، به تسلیم و رضا به مقدرات الهی می‌انجامد (کهف: ۳۹). کسانی که ایمان آورده‌اند، خداوند را بیشتر دوست دارند (بقره: ۱۵۶)، او را «منبع ایمن» و «امنیت‌بخش» خویش می‌دانند (انفال: ۱۰) و در سایه این باور قلبی، به اطمینان خاطر و سلامت روانی دست می‌یابند (یونس: ۶۲).

دی مامانی، تاچمن و دوئرت^۱ (۲۰۱۰، ص ۳۴۸-۳۵۷)، براساس نتایج پژوهش خود، معتقدند که اگر دین و باورهای ارزشی افراد به شیوه‌ای شایسته شکل گیرد، زمینه بروز بسیاری از اختلال‌ها و چالش‌ها از میان می‌رود. مطالعات همچنین نشان داده‌اند که باورهای دینی و اعتقادی، عاملی بسیار قوی در پیشگیری و درمان اختلال‌های روان‌شناختی و رفتاری محسوب می‌شوند (کارکلا

1 De Mamani, A. G., Tuchman, N., & Duarte, E. O.

و کانستانتینو^۱، ۲۰۱۰، ص ۳۷۱-۳۸۱).

۲. تقویت خودآگاهی و بینش به مثابه عاملی در ارتقای تاب‌آوری

آگاهی بخشی به افراد در خصوص ظرفیت‌ها و محدودیت‌های وجودی انسان، همراه با درک مراتب مختلف ادراکی و شناختی، به طور چشمگیری به افزایش آستانه تحمل و در نتیجه ارتقاء تاب‌آوری یاری می‌رساند. پروچاسکا و نورکراس^۲ (۲۰۰۷، به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۶۰) براین باورند که افزایش بینش و آگاهی فرد، یکی از راه‌های کلیدی برای بالا بردن آستانه تحمل محسوب می‌شود.

تقویت خودآگاهی و عمق بخشیدن به بینش افراد، این امکان را فراهم می‌آورد که آن‌ها بتوانند مؤثرترین و سازگارترین پاسخ‌ها را به محرک‌ها و الزامات محیطی ارائه دهند و بدین ترتیب، توانایی خود را در مقابله با فشارهای روانی افزایش دهند. آگاهی و بینش، مقاومت فرد را در برابر ناملازمات تقویت کرده و مسیرهای گوناگونی را برای عبور از چالش‌ها پیش روی او ترسیم می‌نمایند.

بینش شناختی، که به معنای توانایی ارزیابی و اصلاح باورهای تحریف شده و تفسیرهای نادرست است، منجر به شکل‌گیری «خود-اندیشمندی» و «اطمینان به خود» می‌گردد. «خود-اندیشمندی» (به عنوان شاخصی از درون‌نگری، تمایل به تصدیق خطاپذیری، و گشودگی و پذیرندگی) در کنار «اطمینان به خود» (به

1 Karekla, M., & Constantinou, M.

2 Prochaska & Norcross



معنای اعتماد فرد به باورها، قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌های شخصی خود و مقاومت در برابر بازخوردهای بیرونی)، در نهایت به افزایش آستانه تحمل روان‌شناختی افراد منجر می‌شود (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۵۶).

۳. تقویت خودمهارگری و مدیریت هیجان

افزایش خودمهارگری، تقویت خودکنترلی، و نظارت دقیق بر کنش‌های شناختی و رفتاری فرد، از دیگر مسیرهای اساسی در تقویت تاب‌آوری محسوب می‌شود. خودکنترلی به عنوان مهارتی بنیادین، افراد را قادر می‌سازد تا احساسات و رفتار خویش را در راستای اتخاذ تصمیمات سنجیده و مؤثر هدایت کنند. تقویت این توانایی، به کاهش اعمال تکانشی و مقابله‌ای مؤثر با ناامیدی و ناهنجاری‌های رفتاری کمک شایانی می‌نماید (ورا^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۷۹-۱۹۳).

افرادی که از سطح بالایی از خودکنترلی برخوردارند، به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر به آسیب‌های رفتاری و انحرافات اخلاقی مبادرت می‌ورزند. میزان خودکنترلی، به عنوان یک نیروی درونی، رابطه معناداری با اجتناب از رفتارهای ناپه‌نجار و بزهکارانه دارد. اشخاصی که از خودکنترلی بالایی بهره‌مند هستند، قادرند هیجانات و تمایلات منفی خود را به نحو مؤثری مدیریت و هدایت کنند. در مقابل، افرادی که خودکنترلی ضعیفی دارند، زمینه و استعداد بیشتری برای

بروز ناهنجاری‌های رفتاری در آن‌ها فراهم است (کی ای جانگ^۱، ۲۰۱۸، ص ۲۷۳-۲۸۱).

اهمیت نظام خودکنترلی و خودمهارگری تا بدانجاست که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۳). براین اساس، چنانچه عوامل درونی کنترل رفتار - که عبارتند از احساس نظارت الهی و به‌کارگیری قوه اندیشه و تفکر پیش از اقدام - مورد غفلت قرار گیرند، سایر عوامل بیرونی در کنترل رفتار انسان، اثرگذاری چندانی نخواهند داشت و فاقد نتیجه خواهند بود.

۴. برقراری ارتباط نیکو و اخلاقی با دیگران در شرایط جنگی

روابط صحیح و سنجیده، مبتنی بر عناصر اعتماد، همکاری، دلدادگی، پذیرش و تعامل سازنده، پایه‌های یک رابطه سالم را بنا می‌نهند. بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطی کارآمد، از جمله مهم‌ترین عوامل موفقیت در روابط اجتماعی و سازمانی به شمار می‌رود (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۲۸۴).

افرادی که از توانایی برقراری ارتباط سازنده و نیکو با دیگران برخوردارند، معمولاً از رضایتمندی شغلی و فردی بیشتری بهره‌مند شده و در مسیر موفقیت گام برمی‌دارند (جووا و بهاتی^۲، ۲۰۰۶، ص ۶۱-۷۳). توانایی برقراری ارتباط مؤثر،

1 Ki E-J, Jang J

2 Juvva, S., & Bhatti, R



برنامه‌ریزی، مشارکت جویی، همدلی، صمیمیت و در نهایت تاب‌آوری را در افراد بهبود بخشیده و همکاری‌های سازنده را تقویت می‌کند (تولیت زواره، ۱۳۸۷، ص ۲۸). به طور کلی، توانایی برقراری تعامل سازنده و سالم، و ایجاد ارتباطات قوی و شفاف با دیگران، نقشی کلیدی در کارآمدی و پویایی روابط اجتماعی ایفا کرده و در مدیریت بحران‌ها بسیار مؤثر است (مانفردینی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۲۹۰-۲۹۶). افرادی که روابط صمیمی و دوستانه‌ای با یکدیگر دارند، از ظرفیت روان‌شناختی بیشتری برای مدیریت خطاها و تعارض‌های رفتاری طرف مقابل برخوردارند و با صبوری و سعه صدر با یکدیگر تعامل می‌کنند. این ویژگی‌ها، مقاومت و پایداری آن‌ها را در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و شرایط سخت (مانند جنگ و بحران‌های اجتماعی) افزایش می‌دهد.

۵. تعامل صمیمانه و گسترده با افراد جامعه

صمیمیت^۲، که شامل حمایت بی‌قید و شرط، قدرشناسی متقابل، یکرنگی در روابط، ابراز محبت، توجه عمیق به افکار و احساسات دیگران، و درک و پذیرش آن‌هاست (باگاروزی^۳، ۲۰۰۱، ص ۱۴)، یکی دیگر از عوامل کلیدی در افزایش تاب‌آوری فردی در روابط اجتماعی محسوب می‌شود.

حمایت اجتماعی، که به معنای تعامل نیکو، حمایت از یکدیگر، برخورداری

1 Manfredini, M

2 Intimacy

3 Bagarozzi, D.A

از محبت، احساس تعلق، مورد علاقه بودن، مراقبت متقابل و همبستگی با شبکه‌ای از روابط و تعهدات دوطرفه است، به کمک افراد و گروه‌هایی مانند دوستان، مسئولان فرهنگی، نیروهای امنیتی و خدماتی و غیره دریافت می‌شود (هوانگ، وانگ، لی و ان^۱، ۲۰۱۹، ص ۴۵۰-۴۵۵). این حمایت، منبعی مهم برای افزایش تاب‌آوری و سازگاری در شرایط پرتنش بوده و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی سلامت روانشناختی افراد به شمار می‌رود.

حمایت اجتماعی ادراک شده، که ارزیابی ذهنی افراد از روابط و رفتارهای حمایتی، مراقبتی و عاطفی است، نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی افراد ایفا می‌کند (چادویک و کولینز^۲، ۲۰۱۵، ص ۲۲۰-۲۳۰). این نوع حمایت، از طریق افزایش احساس ارزشمندی، تقویت سیستم ایمنی بدن، بهبود بهداشت روانی و در نهایت افزایش تاب‌آوری، به سلامت افراد کمک می‌کند (کی ای و جانگ^۳، ۲۰۱۸، ص ۲۲۷-۲۳۰).

اسکورنسکی و تالیک^۴ (۲۰۲۰، ص ۳-۱۰) بر نقش سازنده حمایت اجتماعی در ارتقاء کیفیت زندگی افراد تأکید کرده‌اند. در مقابل، ضعف در حمایت اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش بهزیستی روانشناختی افراد گردد.

¹ Huang, J., Wang, X., Li, W., & An, Y

² Chadwick, K.A., & Collins, P.A.

³ Ki E-J, Jang J

⁴ Skowronski, B., & Talik, E



۶. افزایش ارتباط معنوی و خداسو

برخورداری از ارتباط معنوی با خالق هستی، به انسان توان مضاعف می‌بخشد و حس حمایت از سوی قدرتی لایتناهی را در او تقویت می‌کند. معنویت، بعدی از وجود آدمی است که بیانگر ارتباط و یکپارچگی او با کل عالم هستی است. این ارتباط و یکپارچگی، به انسان امید و معنا می‌بخشد، او را از محدوده زمان، مکان و علایق مادی فراتر می‌برد و بینشی گسترده به او عطا می‌کند (بوالهری و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۵-۱۱۵). معنویت، به مثابه یک راهبرد مقابله‌ای، در هنگام بروز هرگونه شکست و ناملایمات، به افراد در حفظ تعادل خویش و مواجهه با چالش‌ها یاری می‌رساند.

افزایش شناخت به خداوند متعال و پرهیزکاری، از جمله عواملی است که ظرفیت وجودی انسان را گسترش داده و موجب فراخی سینه می‌گردد. باور و ارتباط با خالق هستی، گشاده‌رویی، عطوفت، بردباری، فروخوردن خشم، انصاف، آرامش و وقار را تقویت می‌کند. پژوهش‌های گسترده در حوزه روان‌شناسی سلامت به گونه‌ای فزاینده بر نقش معنویت در ارتقای بهزیستی روانی، کاهش پریشانی‌های هیجانی و تقویت سلامت جسمانی و افزایش تاب‌آوری تأکید کرده‌اند. در سال‌های اخیر، محققان تلاش نموده‌اند تا جایگاه معنویت را به‌عنوان عاملی حمایت‌گر در برابر وقایع فشارزای زندگی روشن سازند.

نتایج تحقیق فوتلاکیس و همکاران^۱ (۲۰۰۸، ص ۴۹۳-۴۹۵) بیانگر آن است

^۱ Fountoulakis, K. N., Siamouli, M., Magiria, S., & Kaprinis, G

که باور به وجود پروردگاری آگاه و نظارت کننده، به طور چشمگیری اضطراب ناشی از موقعیت های فشارزا را مهار می کند. این افراد براین باورند که با اتکای قلبی به خداوند می توان حتی شرایط غیرقابل کنترل را نیز تا حدی در اختیار گرفت. مطالعات متعدد نشان داده اند افرادی که از دل بستگی ایمن به خداوند برخوردارند، در برابر رویدادهای استرس زا مانند بیماری، شکست عاطفی و چالش های زندگی، کمتر دچار پریشانی روان شناختی می شوند. یافته های حاکی از آن است که افرادی که تصویری مثبت و مهربانانه از خداوند دارند، در مقایسه با افرادی که تصویری تهدیدآمیز یا منفی از خداوند ارائه می کنند، سطوح پایین تری از اضطراب و افسردگی را تجربه می نمایند.

پارگامنت^۱ (۲۰۱۱، ص ۱۰۰) معتقد است کیفیت پیامدهای روان شناختی معنویت، بیش از هر چیز به سبک مقابله ی دینی^۲ فرد بستگی دارد. او میان دو سبک «مقابله ی دینی مثبت» و «مقابله ی دینی منفی» تمایز قائل می شود. مقابله ی مثبت یعنی جستجوی حمایت الهی، تفسیر دشواری ها به مثابه فرصتی برای رشد درونی، و همکاری با خدا در حل مسئله یا در مقابل، مقابله ی دینی منفی، مانند احساس مجازات الهی، خشم نسبت به خداوند، تجربه رهاشدگی از سوی خدا، یا تردید در عدالت الهی. پارگامنت معتقد بود که مقابله مثبت باعث سازگاری روانی بیشتر و کاهش علائم افسردگی و اضطراب است. در مقابل،

^۱ Pargament, Kenneth I

^۲ religious coping style



مقابله منفی دینی، با پیامدهای نامطلوب روانی و افزایش آشفتگی هیجانی همراه است.

یکی از کارکردهای مهم عبادت و ارتباط معنوی با خداوند، تقویت اراده و خویشتن‌داری و افزایش تاب‌آوری در انسان است. عباداتی چون روزه (بقره: ۱۸۳)، نماز (بقره: ۲۲)، جهاد و سایر اعمال عبادی، چنین هدفی را تأمین می‌کنند. خویشتن‌داری نیز به نوبه خود، آثار ارزنده‌ای به همراه دارد: تقوا، عامل شناخت صحیح (فرقان)، آبرو و حیثیت اجتماعی، افزایش ظرفیت روانی، ایجاد زمینه نیکی (لیل: ۵-۷) و برخورداری از مغفرت اخروی است (انفال: ۲۰). کارکردهای اجتماعی پرهیزکاری شامل خروج انسان از مشکلات و تنگناهای زندگی (طلاق: ۲) و افزایش محبوبیت و مقبولیت اجتماعی است (مریم: ۱۴). رفتارهای عبادی، از طریق ایجاد و تقویت حالات و فرایندهای روان‌شناختی و افزایش ظرفیت‌های درونی، سلامت روانی را ارتقاء بخشیده، تاب‌آوری را افزایش داده و تعامل اجتماعی را بهبود می‌بخشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی آموزه‌های اخلاقی و یافته‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد که تاب‌آوری فواید چشمگیری در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و به ویژه در شرایط جنگی دارد. مهم‌ترین این فواید عبارتند از:

۱. کاهش تنیدگی و استرس: افراد تاب‌آور با مدیریت هیجانات، جلوگیری از

انباشت انرژی منفی، سعه صدر و صبوری، توازن بین فشارهای محیطی و ظرفیت های روانی خود ایجاد می کنند. تاب آوری به معنای پایداری فعال در برابر چالش هاست، نه تسلیم شدن.

۲. افزایش مقاومت برای نیل به اهداف: تاب آوری فرایندی عقلانی و مبتنی بر استقامت در مسیر اهداف است. در آموزه های اسلامی نیز، سعه صدر شرط لازم برای ایفای حقوق اجتماعی محسوب می شود.

۳. مدیریت شایسته ارتباطات و چالش ها: افراد تاب آور با رفتاری آرام و سنجیده، تنش زدایی کرده و از تصمیم گیری های شتابزده پرهیز می کنند.

راهکارهای تقویت تاب آوری

- اصلاح باورهای شناختی: باور به خداوند و معاد، زندگی را معنا دار کرده و پذیرش سختی ها و افزایش ظرفیت تحمل را تسهیل می کند.
- ارتباط معنوی: عبادات، اراده و خودکنترلی را تقویت کرده و معنویت با ایجاد امید و حس پیوند با هستی، تاب آوری را افزایش می دهد.
- تقویت خودآگاهی و بینش: شناخت محدودیت ها و ظرفیت ها، امکان تصمیم گیری سازگاران را فراهم آورده و خوداندیشمندی، آستانه تحمل را بالا می برد.
- مدیریت هیجان و خودکنترلی: خودمهارگری از رفتارهای تکانشی جلوگیری می کند. در اسلام، مدیریت خشم، اندیشه پیش از عمل و احساس نظارت الهی



کلیدی هستند.

- ارتباط مؤثر در بحران: مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، اعتماد، همکاری و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند.
- تعامل صمیمانه و حمایت اجتماعی: احساس تعلق و محبت متقابل، از قوی‌ترین پیش‌بین‌های تاب‌آوری بوده و موجب کاهش فشار روانی و افزایش شادکامی می‌شود.
- احترام به تفاوت‌های فرهنگی: توجه به تنوع فرهنگی، جنسیتی و فردی، انتظارات را تعدیل و تاب‌آوری جمعی را افزایش داده و خدمات مداخله‌ای باید مبتنی بر فرهنگ طراحی شوند.

منابع و مآخذ

- * قرآن کریم، ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). التوحید (للمصدق). قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۴. بوالهروی، جعفر؛ نظیری، قاسم؛ زمانیان، سکینه (۱۳۹۱). اثربخشی رویکرد گروه درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه. جامعه شناسی زنان، شماره ۳، ۸۵-۱۱۵.
۵. پناهی، علی احمد و جان بزرگی، مسعود (۱۳۹۶). روان شناسی زن و مرد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. تولیت زواره، سید محمد رضا (۱۳۷۸). ارتباطات موثر، ماهنامه اندیشه گستر سایپا، شماره ۳۶. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه، قم: آل البيت.
۸. رضائیان، علی (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحي



صالح)، قم: هجرت.

۱۰. اکاویانی، محمد و پناهی علی احمد (۱۳۹۸). روان‌شناسی در قرآن. قم:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دار

الکتب الإسلامية.

۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث

العربی.

۱۳. یوسفی، رحیم و همکاران (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو مداخله آموزش

گروهی طرح‌واره محور و سبک زندگی محور در ارتقاء سطح بینش شناختی

زوجین دارای نارضایتی زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال

اول، شماره ۲، ۱۳۹-۱۶۰.

14. Bagarozzi, D.A. (۲۰۰۱). Enhancing intimacy in marriage, Branner -
Routledge. Tylor & Forancis group. USA.

15. Bamber, M. R. (۲۰۰۶). CBT for Occupational Stress in Health
Professionals: Introducing a Schema - Focused Approach, New York:
Routledge.

16. Chadwick, K.A., & Collins, P.A (۲۰۱۵). Examining the
relationship between social support availability, urban center size, and self-
perceived mental health of recent immigrants to Canada: A mixed-methods
analysis. Social Science & Medicine, ۱۲۸, ۲۳۰-۲۲۰.

17. DeMamani, A. G., Tuchman, N., & Duarte, E. O. (۲۰۱۰), "Incorporating Religion/Spirituality into Treatment for Serious Mental Illness", *Journal of Cognitive and Behavioral Practice*, ۱۷, . ۳۵۷-۳۴۸
18. Foster, B.A. and Weinstein, K (۲۰۱۹), Moderating Effects of Components of Resilience on Obesity Across Income Strata in the National Survey of Children's Health. *Acad Pediatr*; ۱۹(۱), PP: . ۶۶-۵۸
19. Fountoulakis, Konstantinos N; Siamouli, Melina; Magiria, Stamatia; & Kaprinis, George. (۲۰۰۸). Late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical Hypotheses*, ۷۰(۳), ۴۹۳-۴۹۶.
20. Huang, J., Wang, X., Li, W., & An, Y (۲۰۱۹). The relationship between conscientiousness and posttraumatic stress disorder among young Chinese firefighters: The mediating effect of perceived social support. *Psychiatry Research*, ۲۷۳, . ۴۵۵-۴۵۰
21. Juvva, S., & Bhatti, R. (۲۰۰۶). Epigenetic Model of Marital Expectations. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, ۲۸(۱), . ۷۳-۶۱
22. Karekla, M., & Constantinou, M. (۲۰۱۰), "Religious Coping and Canser: Proposing an Acceptable And Commitment Therapy Approach",



Journal of Cognitive and Behavioral Practice, ۱۷, . ۳۸۱-۳۷۱

23. Ki E-J, Jang J. (۲۰۱۸). Social support and mental health. Journal of Asian Pacific Communication, ۲۸(۲), ۲۲۶-۲۵۰.

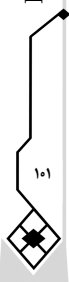
24. Kim, Youngmee; Spillers, Rachel L; & Hall, Daniel L. (۲۰۱۲). Quality of life of family caregivers ۵years after a relative's cancer diagnosis: follow-up of the national quality of life survey for caregivers. Psycho-Oncology, ۲۱(۳), ۲۷۳-۲۸۱

25. Manfredini, M., Breschi, M., & Manzoni, S. (۲۰۱۰). Spouse selection by health status and physical traits. American Journal of Physical Anthropology, ۱۴۱,p . ۲۹۶-۲۹۰

26. Pargament, Kenneth I. (۲۰۱۱). Spiritually integrated psychotherapy: Understanding and addressing the sacred. Guilford press.

27. Skowronski, B., & Talik, E. (۲۰۲۰). Resilience and Quality of Life Among People Serving Prison Sentences in Penitentiary Institutions: The Mediating Role of Social Support. Social Research, ۴, (۴۴), ۱۳-۱

28. Vera, P. Eliseo & Moon. Byongook. (۲۰۱۳). An Empirical Test of Low Self-control Theory among Hispanic Youths. Youth Violence and Juvenile Justice. Vol (۱۱): ۱۷۹- ۱۹۳.



The Role of Family Counseling in Raising a Mujahid Generation: Identifying Educational Challenges and Presenting Practical Models for Parents

Roya Dehqani Firouzjaei

Level 3 in Jurisprudence (Fiqh), Zahra Seminary, Meybod.

Zeinab Rahimi Talarpashti

PhD candidate in Women's Studies at the Faculty of Islamic Studies, University of Religions and Denominations, Qom

Abstract The family, as the primary institution of upbringing, plays a fundamental role in shaping the identity and character of children, and the quality of education within this environment lays the foundation for nurturing a mujahid and civilization-building generation. However, many parents face difficulties in raising an ideal-driven generation due to a lack of the necessary skills to address emerging challenges in child-rearing. Therefore, the use of family counseling to empower parents is a serious necessity. This study aims to explain the role of family counseling in raising a mujahid generation by identifying educational challenges and presenting practical models for parents. The research adopts a descriptive-analytical method and is based on library sources. The findings indicate that some of the current educational challenges arise from weaknesses in communication skills, a decline in the transmission of religious values, and a weakening of emotional and sacred bonds within the family environment. Ultimately, family counseling, by enhancing such skills as responsibility, behavioral role-modeling, and strengthening religious identity, plays a key role in empowering parents to nurture a mujahid and civilization-building generation.

Keywords: family, raising a mujahid generation, educational challenges, parental empowerment, religious identity, educational role-modeling



دور الإرشاد الأسري في تربية جيل مجاهد: تشخيص التحديات التربوية وتقديم نماذج عملية للوالدين

رويا دهقاني فيروزجاني

الباحثة المسؤولة، طالبة حوزوية في المستوى الثالث في الفقه، المدرسة العلمية حضرت الزهراء عليها السلام في ميبد.

زينب رحيمي تالارپشتي

باحثة في مرحلة الدكتوراه تخصص دراسات المرأة في كلية الدراسات الإسلامية بجامعة الأديان والمذاهب في قم.

الملخص

تُعَدُّ الأسرة، بوصفها المؤسسة التربوية الأساسية، ذات دور محوري في تشكيل هوية الأبناء وشخصيتهم، كما أن جودة التربية في هذا المحيط تضع الأساس لتنمية جيل مجاهد وصانع للحضارة. ومع ذلك، يواجه كثير من الوالدين صعوبات في تربية جيل مثالي التوجه بسبب افتقارهم إلى المهارات اللازمة لمواجهة التحديات المستجدة في تربية الأبناء؛ ومن ثم فإن الاستفادة من الإرشاد الأسري لتمكين الوالدين تُعَدُّ ضرورة ملحة. وتهدف هذه الدراسة إلى تبين دور الإرشاد الأسري في تربية جيل مجاهد، من خلال تشخيص التحديات التربوية وتقديم نماذج عملية للوالدين. وتعتمد الدراسة المنهج الوصفي التحليلي، بالاستناد إلى المصادر المكتبية. وتُظهر النتائج أن جانباً من التحديات التربوية الراهنة يعود إلى الضعف في مهارات الحوار، وتراجع نقل القيم الدينية، وفتور الروابط العاطفية والقدسية داخل البيئة الأسرية. وفي الختام، يؤدي الإرشاد الأسري، من خلال تعزيز مهارات مثل تحمّل المسؤولية، والنمذجة السلوكية، وتقوية الهوية الدينية، دوراً أساسياً في تمكين الوالدين من تربية جيل مجاهد وصانع للحضارة.

الكلمات المفتاحية: الأسرة، تربية جيل مجاهد، التحديات التربوية، تمكين الوالدين، الهوية الدينية، النمذجة التربوية

نقش مشاوره خانواده در تربیت نسل مجاهد: آسیب‌شناسی و ارائه الگوهای عملی برای والدین

رویا دهقانی فیروزآبادی

نویسنده مسئول، طلبه سطح ۳، رشته فقه، حوزه علمیه حضرت زهرا (ع) میبد.

Email: Royadehgani@gmail.com

زینب رحیمی تالارپشتی

دانشجوی دکترا، مطالعات زن و خانواده، دانشکده مطالعات اسلامی قم

Email: zinatal360@iran.ir

چکیده

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری هویت و شخصیت فرزندان دارد و کیفیت تربیت در این محیط، زمینه‌ساز پرورش نسلی مجاهد و تمدن‌ساز است. با این حال، بسیاری از والدین به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم در مواجهه با چالش‌های نوپدید فرزندپروری، در تربیت نسل آرمان‌خواه با دشواری روبه‌رو هستند؛ از این رو بهره‌گیری از مشاوره خانواده برای توانمندسازی والدین ضرورتی جدی است. این پژوهش با هدف تبیین نقش مشاوره خانواده در تربیت نسل مجاهد، به شناسایی آسیب‌های تربیتی و ارائه الگوهای عملی برای والدین می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد بخشی از چالش‌های تربیتی کنونی ناشی از ضعف در مهارت‌های گفت‌وگو، کاهش انتقال ارزش‌های دینی و گسست پیوندهای عاطفی و قدسی در فضای خانواده است. در نهایت، مشاوره خانواده با ارتقای مهارت‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، الگوسازی رفتاری و تقویت هویت دینی، نقشی کلیدی در توانمندسازی والدین برای پرورش نسلی مجاهد ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مشاوره خانواده، نسل مجاهد، آسیب‌شناسی تربیتی، الگوهای عملی والدین، تربیت فرزند.

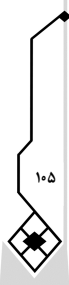
مقدمه

خانواده در مطالعات تربیتی معاصر، بنیادی‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت، شخصیت و نظام ارزشی فرزندان شناخته می‌شود و کیفیت تعاملات والدین و فرزندان، مهم‌ترین عامل در پرورش نسل مسئول است، (Goldenberg & Goldenberg، ۲۰۱۲) در گفتمان انقلابی نیز نقش والدین، به‌ویژه مادران، در تربیت نسل مجاهد جایگاهی راهبردی دارد و در بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان عامل کلیدی تحقق اهداف تمدنی جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (کریمی و عابدین، ۱۴۰۴).

مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناسی دینی نشان می‌دهد محیط‌های مذهبی و فرهنگی زمانی در تربیت دینی مؤثرند که والدین بتوانند افزون بر انتقال ارزشی، در الگوسازی رفتاری و ایجاد ارتباط مؤثر نیز موفق باشند (Voas & Storm، ۲۰۱۲). تعاملات عاطفی و گفت‌وگوهای هدفمند والدین بیش از هر عامل دیگری در باورپذیری، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری ارزشی نسل جدید اثرگذار است (Flor & Knapp، ۲۰۰۱). یافته‌های روان‌شناسی تربیتی اسلامی نیز بر اهمیت خودتنظیمی اخلاقی، تاب‌آوری و هدایت روانی - معنوی فرزندان در بستر خانواده تأکید دارند (Shukor et al، ۲۰۲۵).

چالش‌های زندگی مدرن، از جمله تغییر سبک زندگی، گسست نسلی و کاهش سرمایه عاطفی خانواده، انتقال سنتی ارزش‌ها را دشوار کرده و نیاز به





مشاوره خانواده را دوجندان ساخته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مشاوره خانواده با ارتقای مهارت‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای تعاملی و بازسازی روابط عاطفی می‌تواند ظرفیت تربیتی والدین را افزایش دهد (Hidayati & Shobahiya, ۲۰۲۵).

این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا مبانی نظری مرتبط با خانواده، مشاوره خانواده و مفهوم نسل مجاهد گردآوری و بررسی، سپس با تحلیل محتوای استنباطی، مهم‌ترین چالش‌های تربیتی خانواده استخراج و در نهایت الگوهای عملی توانمندسازی والدین در سه ساحت عاطفی، شناختی و رفتاری ارائه شده است تا رابطه میان مشاوره خانواده و تربیت نسل مجاهد به صورت منسجم تبیین گردد.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

۱-۱. نسل مجاهد

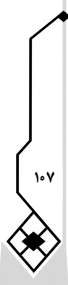
در تربیت اسلامی، هدف تنها رشد فردی نیست، بلکه پرورش انسان‌هایی مسئول و متعهد به اصلاح جامعه است. «نسل مجاهد» نسلی است که از نظر معرفتی، اخلاقی و رفتاری توان مواجهه فعال با چالش‌های فردی و اجتماعی را داشته و در مسیر تحقق ارزش‌های متعالی تلاش می‌کند. شهید مطهری با تبیین مراتب حیات انسان، براین باور است که موجودات زنده صرفاً برای بقا فعالیت نمی‌کنند، بلکه حرکت آنان غایتی استکمالی دارد. به اعتقاد وی، هرچه درجه حیات انسان بالاتر باشد، بینش و جنبش او نیز کامل‌تر خواهد بود و علم و ایمان

از مهم ترین عوامل ارتقای این حیات به شمار می روند (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۳، ص ۳۲۱-۳۲۲). براین اساس، پرورش نسل مجاهد تنها به تقویت توانایی های رفتاری محدود نمی شود، بلکه مستلزم تعالی بینش، ایمان، مسئولیت پذیری و جهت دهی حرکت انسان در مسیر ارزش های الهی است.

در روان شناسی تربیتی معاصر، مفاهیمی چون تاب آوری به توانایی سازگاری مثبت با شرایط دشوار و حفظ کارکرد سازگارانه اشاره دارد. (Masten، ۲۰۰۱، p.4) ترکیب این دیدگاه با آموزه های اسلامی نشان می دهد شکل گیری نسلی فعال در گرو خودتنظیمی، پایداری اخلاقی، مسئولیت پذیری اجتماعی و هویت ارزشی است. از این رو، نسل مجاهد نسلی است که با اتکا به هویت دینی و نظام ارزش پایدار، افکار و رفتار خود را در راستای اهداف بلندمدت فرهنگی و تمدنی جهت دهی می کند (Shukor et al، ۲۰۲۵، p.1499).

۲-۱. مشاوره خانواده با رویکرد توانمندسازی

خانواده به عنوان بستر بنیادین جامعه پذیری، نقش تعیین کننده ای در فرآیند انتقال ارزش ها ایفا می کند؛ به طوری که تکوین اخلاق تربیتی و درونی سازی نقش ها در بطن این نهاد صورت می پذیرد (Handayani et al، ۲۰۲۵، p.12). افزون براین، در مواجهه با چالش های محیطی، الگوهای ارتباطی و سازوکارهای تعاملی درون خانوادگی از منابع محوری سازگاری و انعطاف پذیری اعضا به شمار می روند (Handayani et al، ۲۰۲۵، p.3) فرآیندهایی که به طور مستمر در بستر



تعاملات و ارتباطات روزمره خانوادگی بازتولید و تثبیت می‌شوند (Handayani et al, ۲۰۲۵, p.7).

در برخی رویکردهای نوین، مشاوره خانواده دارای بعد معنوی نیز هست و به صورت فرایند «روانی - معنوی» تعریف می‌شود که هدف آن تقویت ظرفیت‌های درونی، افزایش آگاهی والدین از نقش تربیتی خود و ایجاد محیطی مبتنی بر محبت، معنویت و اخلاق است. این رویکرد، والدین را برای ایجاد پیوندهای عاطفی و ارزشی پایدار و ایفای نقش فعال در تربیت نسلی مجاهد توانمند می‌سازد (Hidayati & Shobahiya, ۲۰۲۵, p.6).

۳-۱. فرزندپروری و درونی‌سازی ارزش‌ها

انتقال ارزش‌ها و هنجارها زمانی پایدار است که در فرایند درونی‌سازی، ارزش‌ها به بخشی از نظام باور فرد تبدیل شوند و او حتی در غیاب نظارت بیرونی به آن‌ها پایبند بماند (Flor & Knapp, pp. 2-3).

بامریند^۱ سبک‌های فرزندپروری را در قالب سه الگودسته‌بندی می‌کند و در این میان، سبک مقتدرانه یا دموکراتیک نزدیک‌ترین الگوبه فرزندپروری اسلامی معرفی شده است (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, p.2). همچنین، فرزندپروری به منزله بستر درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری اخلاق در نظر گرفته می‌شود (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, p.1). در همین چارچوب، مشاوره اسلامی می‌تواند

1 Baumrind

در تقویت فرزندپروری پاسخ‌گو و تحکیم هماهنگی خانوادگی نقش مؤثری ایفا کند (Akbar & Hidayati, ۲۰۲۵, pp. 3-4).

۴-۱. ارتباطات اقناعی و سازگارانه در خانواده

ارتباطات درون خانوادگی، بستر اصلی انتقال ارزش‌ها و شکل‌گیری نگرش‌هاست. اقناع مؤثر زمانی رخ می‌دهد که پیام تربیتی علاوه بر استدلال، عناصر عاطفی و رابطه‌ای را نیز دربرگیرد (هاتفی راد و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴). در روابط والد-فرزند، «ارتباطات سازگارانه» بدان معناست که والدین پیام‌ها و انتظارات خود را با سطح رشد شناختی و هیجانی فرزندان هماهنگ کنند. این نوع ارتباط، از تعارض نسلی و مقاومت در برابر ارزش‌های خانوادگی می‌کاهد و پذیرش و درونی‌سازی ارزش‌ها را در نوجوانان افزایش می‌دهد (کریمی عقدا و شریفی اردانی، ۱۴۰۳، ص ۵، ۱۳) توانمندسازی والدین از طریق مشاوره خانواده، با بهبود فرزندپروری و تقویت ارتباطات سازگارانه، زمینه هویت ارزشی پایدار و پرورش نسلی مسئول و کنشگر را فراهم می‌کند.

۲. آسیب‌ها

۲-۱. آسیب ارتباطی؛ ضعف گفت‌وگو

تربیت نسل مجاهد که نسلی مقاوم، مسئولیت‌پذیر و ارزش‌مدار است، نیازمند خانواده‌ای با ارتباط گرم و گفت‌وگوی سازنده است. ضعف ارتباطی، بنیان این تربیت را تضعیف کرده و انتقال صحیح ارزش‌ها را مختل می‌کند.

پژوهش شهرکی و همکاران نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که تعاملات عاطفی محدود است، صمیمیت و حمایت عاطفی کاهش می‌یابد و نوجوانان در برابر چالش‌های هیجانی آسیب‌پذیرتر می‌شوند. چنین فضایی روحیه جهادی را که مبتنی بر احساس امنیت و پشتوانه خانوادگی است، تضعیف می‌کند (شهرکی‌ثانوی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴).

یکی از عوامل اصلی ضعف ارتباطی، شکاف نسلی و فرهنگی است. تفاوت نگرش‌ها میان والدین و فرزندان، اعتماد و نزدیکی عاطفی را کاهش داده و سوء تفاهم‌ها را افزایش می‌دهد (هاتفی‌راد و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳۳). در فقدان زبان مشترک برای توضیح دلایل و ارزش‌ها، تعارضات افزایش یافته و انتقال ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و جهادی تضعیف می‌شود. نوجوانی که احساس شنیده شدن و درک شدن نمی‌کند، کمتر می‌تواند هویت پایدار و ارزش‌محور لازم برای تبدیل شدن به انسان مجاهد را شکل دهد؛ بنابراین، ضعف ارتباطی علاوه بر آسیب به سلامت روان، مانعی جدی در مسیر تربیت نسل مجاهد است و تقویت مهارت‌های ارتباطی والدین، شرط بنیادی برای این تربیت به‌شمار می‌آید.

۲-۲. آسیب ارزشی؛ کاهش انتقال ارزش‌ها

براساس بیانیه گام دوم انقلاب، تعمیق معنویت و اخلاق در نسل جدید و نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزندان، اهمیتی اساسی دارد. معنویت و اخلاق

جهت دهنده حرکت‌های فردی و اجتماعی‌اند و تربیت فرزند به عنوان «مهم‌ترین کار زن» معرفی شده است (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ۱۴ دی)

در شرایطی که رسانه‌ها و فضای مجازی بر شکل‌گیری هویت نسل جدید اثرگذارند، مادران با چالش‌هایی همچون برجسته‌شدن الگوهای ناسازگار، تضعیف فرایند انتقال ارزش‌های دینی و افزایش احتمال معاشرت‌های نامناسب فرزندان روبه‌رو می‌شوند. (نکوفرو قلاوند، ۱۳۹۷، ص ۵ و ۱۱). در این شرایط، توجه به تربیت اجتماعی و عاطفی کودک برای رشد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری او ضروری است و با راهکارهایی مانند محبت‌ورزی، بازی، هنر، الگودهی والدین و معرفی الگوهای شایسته تقویت می‌شود. (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲)

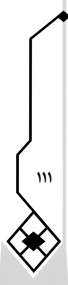
آسیب ارزشی زمانی رخ می‌دهد که انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی در خانواده تضعیف شود؛ در نتیجه هویت دینی نوجوان، که زیربنای مسئولیت‌پذیری و مقاومت است، سست می‌شود و امکان ورود به «میدان‌های بزرگ» بدون تربیت اخلاقی فراهم نیست (بیانات، ۱۳۹۵، ۱۴ دی). رسانه‌های مخرب، ترویج فردگرایی و ضعف ارتباط مادر-فرزند، نوجوان را از سبک زندگی مجاهدانه دور کرده و ویژگی‌هایی چون صبر، تلاش و خودسازی را تضعیف می‌کند.

۲-۳. آسیب عاطفی؛ گسست پیوند خانوادگی

تحولات اجتماعی، روابط درون خانواده را دگرگون کرده و یکی از پیامدهای مهم آن، تضعیف پیوندهای عاطفی والدین و فرزندان است. این گسست از کاهش تعاملات روزمره تا احساس فاصله نسلی و ضعف درک متقابل را دربرمی‌گیرد و بر هویت و رفتار فرزندان اثر می‌گذارد.

پژوهش پوردهقان و همکاران نشان می‌دهد گسست فرهنگی و تغییر سبک زندگی با افزایش نارسایی هویت و کاهش پیوند عاطفی همراه است. هرچه این شکاف بیشتر باشد، فرزند در مسیر هویت‌یابی از حمایت خانواده دورتر شده و در برابر سردرگمی هویتی آسیب‌پذیرتر می‌شود. (پوردهقان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳). همچنین فشارهای جدید بر نقش‌های خانوادگی و نیز انتظارات کمال‌گرایانه والدین، می‌تواند احساس امنیت روانی و حمایت عاطفی فرزندان را تضعیف کند؛ امری که به نوبه خود با کاهش جرأت‌ورزی و افت مشارکت فعال آنان همراه است. (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۲).

رحمتی و هوشیاری به عواملی چون اشتغال گسترده والدین، فاصله سنی زیاد و ناآشنایی با ویژگی‌های نسل جدید، در کنار جهانی شدن و رسانه‌ها، به عنوان تشدیدکننده شکاف نسلی اشاره کرده‌اند. در چنین شرایطی نوجوانان برای ارضای نیازهای عاطفی و هویتی به محیط‌های بیرونی رجوع می‌کنند و مستعد بی‌انگیزگی و کناره‌گیری از فعالیت‌های سازنده می‌شوند. (هوشیاری و رحمتی، ۱۴۰۱، صص ۱-۳).



در مجموع، گسست عاطفی خانوادگی، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی و انگیزه تلاش هدفمند را تضعیف می‌کند؛ مؤلفه‌هایی که برای شکل‌گیری شخصیت مجاهد و ارزش‌محور ضروری‌اند.

۳. راهکارها

۳-۱. الگوی توانمندسازی ارتباطی

در الگوی توانمندسازی ارتباطی، کیفیت تعاملات خانوادگی، به‌ویژه رابطه زناشویی و رابطه والد-فرزند، عامل مهم گرایش‌های ارزشی فرزندان است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد میان کیفیت زناشویی والدین و ادراک نوجوان از گرمی و حمایت خانوادگی، با پذیرش باورها و ارزش‌های خانواده رابطه معنادار وجود دارد؛ نوجوانانی که روابط خود را صمیمانه می‌بینند، بیشتر باورها و رفتارهای ارزشی والدین را درونی می‌سازند و کاهش تعارضات زناشویی، تأثیرگذاری والدین را افزایش می‌دهد (Day et al، 2008، p.10).

کیفیت رابطه هریک از والدین با فرزند نیز به‌طور مستقل اهمیت دارد؛ بنابراین تقویت رابطه عاطفی با هر دو والد ضروری است. براین اساس، یکی از وظایف اصلی مشاوران خانواده آموزش مهارت‌های گفت‌وگوی سازنده، گوش‌دادن همدلانه و مدیریت تعارض با والدین است تا با افزایش صمیمیت، کاهش تعارض و ارتقای تعاملات درون خانوادگی، زمینه انتقال مؤثر ارزش‌ها فراهم شود.

۲-۳. الگوی انتقال ارزش‌ها

در الگوی انتقال ارزش‌های دینی، والدین محور اصلی درونی‌سازی ارزش‌ها در فرزندان‌اند. دینداری بسیاری از بزرگسالان ریشه در اجتماعی‌سازی دوران کودکی و نوجوانی دارد (Voas & Storm، ۲۰۱۲، p.2). الگوسازی رفتاری و هماهنگی گفتار و کردار والدین از مؤثرترین روش‌های غیرمستقیم انتقال ارزش‌هاست. رویکرد مشاوره روانی، معنوی اسلامی بر پنج ارزش محوری فرزندپروری یعنی رحمت، حکمت، الگوبودن، تأدیب و توازن تأکید دارد و آن را در قالب مدل (RAHMAH) منظم، توافق و قرارداد، تمرین‌های قلبی، مربی‌گری مبتنی بر الگو، ارتباط فعال و چرخه عادت) عملیاتی می‌کند (Hidayati & Shobahiya، ۲۰۲۵، pp. 17-8). این رویکرد نشان می‌دهد اعمال عبادی روزمره مانند نماز می‌توانند سازوکار «هم‌تنظیمی» هیجان میان والد و کودک بوده و در تقویت هویت دینی مؤثر باشند. نقش مکمل پدر و مادر و حمایت خانواده گسترده نیز در تقویت اکوسیستم فرزندپروری مورد توجه است. وظیفه مشاور خانواده آن است که با تقویت این الگوها، کیفیت رابطه والد-کودک و انتقال غیرمستقیم ارزش‌ها را ارتقا دهد.

۳-۳. الگوی هویت‌سازی

مشاوره خانواده در چارچوب تربیت اسلامی می‌تواند هویت‌سازی و مسئولیت‌پذیری فرزندان را تقویت کند. خانواده، مدرسه نخستین اخلاق و هنجارهاست و تربیت اسلامی با تأکید بر اخلاق، انضباط و مسئولیت، زمینه

تاب‌آوری و انسجام خانواده را فراهم می‌آورد (Voas & Storm، ۲۰۱۲، p.1-2). پژوهش‌ها نشان می‌دهد واگذاری تدریجی مسئولیت از کودکی و پرهیز از دخالت افراطی والدین، از مهم‌ترین راه‌های ایجاد مسئولیت‌پذیری است؛ مداخله بیش از حد فرصت تجربه و پذیرش پیامد رفتار را از فرزند می‌گیرد و مسئولیت‌پذیری باید متناسب با سن درونی شود (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۱). ویژگی‌های والدین همچون بردباری، شکیبایی و قاطعیت نیز در این فرایند نقش اساسی دارد و محیطی سرشار از محبت و تفاهم، سلامت روانی کودک و نوجوان را تقویت می‌کند (غلامی و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۷۱۳).

در رویکرد مشاوره‌ای مبتنی بر تربیت اسلامی، خانواده تنها محل مراقبت نیست، بلکه بستر شکل‌گیری هویت و مسئولیت است. مشاور با آموزش الگوهای تربیتی مناسب، والدین را یاری می‌کند تا از طریق محبت همراه با انضباط و واگذاری تدریجی مسئولیت، زمینه شکل‌گیری هویتی پایدار و شخصیت مسئولیت‌پذیر را فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نشان داده شد که خانواده، اصلی‌ترین بستر تربیت نسل مجاهد است و بدون توجه به سه عرصه ارتباطی، ارزشی و عاطفی، دستیابی به چنین نسلی دشوار خواهد بود. ضعف گفت‌وگو، کاهش انتقال مؤثر ارزش‌ها و گسست عاطفی، هویت دینی و احساس تعلق نوجوان را تضعیف کرده و او را در

برابری تفاوتی، ناپایداری هویتی و دورشدن از سبک زندگی مجاهدانه آسیب‌پذیر می‌کند.

در برابر این آسیب‌ها، سه الگوی اصلی بر پایه مشاوره خانواده پیشنهاد شد:
 ۱. الگوی توانمندسازی ارتباطی برای تقویت صمیمیت، گفت‌وگوی همدلانه و کاهش تعارضات؛

۲. الگوی انتقال ارزش‌ها با تأکید بر الگوسازی والدین، هماهنگی گفتار و کردار و بهره‌گیری از رویکرد روانی-معنوی اسلامی؛

۳. الگوی هویت‌سازی با واگذاری تدریجی مسئولیت، ترکیب محبت و قاطعیت و ایجاد فضای امن برای تجربه و رشد.

نتایج نشان می‌دهد مشاوره خانواده، اگر با رویکرد سیستمی و روانی-معنوی و مبتنی بر مبانی تربیت اسلامی سامان یابد، می‌تواند والدین را در نقش مربیان آگاه و مؤثر توانمند سازد، کیفیت ارتباطات خانوادگی را ارتقا دهد و در تعمیق هویت دینی و مسئولیت‌پذیری نسل جدید نقش راهبردی ایفا کند. به همین سبب، طراحی دوره‌های تخصصی مشاوره خانواده با رویکرد تربیت نسل مجاهد، ارتقای سواد تربیتی والدین و ارزیابی تجربی این الگوها در پژوهش‌های آینده، از الزامات سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی است.



منابع و ماخذ

۱. اعرافی، علیرضا و ابراهیمی، جواد (۱۳۹۶). روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی فرزندان؛ حکم فقهی. مطالعات فقه تربیتی، ۴(۸)، ۱۱۵-۱۴۰.
۲. بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷).
۳. پوردهقان، م.، و همکاران (۱۳۹۵). گسست فرهنگی و پیامدهای آن بر هویت نوجوانان.
۴. رحیمی، ف.، و همکاران (۱۳۹۸). نقش فشارهای جدید خانوادگی در کاهش امنیت روانی نوجوانان.
۵. شهرکی ثانوی، فریبا، نویدیان، علی، انصاری مقدم، علیرضا، و فرجی شوی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۴.
۶. غلامی، الف.، و همکاران (۱۴۰۵). فرآیند مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش والدین و سبک فرزندپروری.
۷. کریمی عقدا، هادی، شریفی اردانی، علیرضا، صباغیان بغداد آباد، حمید، غلامزاده بافقی، طیبه و پور غلامی، فرزاد. (۱۴۰۳). تبیین مهارت اجتماعی فرزندان براساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی. ۹۳-۱۰۸.
۸. کریمی، ح.، و عابدین، م (۱۴۰۴). نقش مادران در تربیت نسل پیشرو و



تمدن ساز.

۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

۱۰. هاتفی راد، لیدا، پارسامهر، مهربان و روحانی، علی (۱۴۰۲). شبکه روابط اجتماعی و گفت‌وگومندی زوجین: یک مطالعه زمینه‌ای در شهر یزد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی.

۱۱. هوشیاری، ن. س، و رحمتی، ح (۱۴۰۱). بررسی عوامل درون و برون خانوادگی مؤثر بر گسست نسلی در خانواده ایرانی. نشریه مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، ۳(۶).

۱۲. نکوفر، حسن و قلاوند، زهره (۱۳۹۷). تاثیر فضای مجازی بر اخلاق و هویت کودکان. همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی.

13 Akbar, M., & Hidayati, N. (2025). Islamic Parenting Models and Value Internalization.

14 Aronson, E. (2018). The Social Animal.

15 Baumrind, D. (1991). Effective parenting and child socialization.

16 Day, R. D., Jones-Sanpei, H., Price, J., Orthner, D. K., Hair, E., Moore, K. A., & Kaye, K. (2008). Effects on adolescent religiosity and religious practice. U.S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation.

17 Flor, D., & Knapp, N. (2001). Parent-child communication and

religious development.

18 Hidayati, N., & Shobahiya, A. (2025). Spiritual–Psychological Family Counseling.

19 Handayani, B. C., Ahyar, M., Sahri, W., Murzaki, L. A., & Abdussyakur. (2025). The role of Islamic education in constructing family resilience: A socio–theological study. *Jurnal Islam Nusantara*, 9(1), 332–350.

20 Masten, A. (2014). *Ordinary Magic: Resilience in Development*.

21 Voas, D., & Storm, I. (2012). The intergenerational transmission of religion.

22 Shukor, K. A., Mohd Noor, A. F., Hussin, N. I., Othman, M. A., Dain, H. M., & Norafandi, M. N. A. (2025). Fostering self–regulatory behaviour through religious values: Challenges, strategies, and the role of parents. *International Journal of*

23 Voas, D., & Storm, I. (n.d.). Religious socialization across generations.



Table of Contents

The Theological Foundations of Jihad from the Perspective of the Holy Quran

Maliheh Sheikhi-Zadeh

The Necessity of Integrated Perseverance from the Perspective of Verse 112 of Surah Hud, with Emphasis on the Views of the Martyred Leader

Maryam Salimi Dehaj

Ethical Resistance in Everyday Life: An Ethical Explanation of the Continuity of Social Roles Based on the Theory of Existential Proportionality

Mohammad Ali Mobini, Maliheh Ghodrati

The Impact of Leadership Discourse on the Lifestyle of Resistant Families

Hanieh Mazar-Chi

Foundations of Sustainable Resilience in Overcoming Wartime Crises: A Comprehensive Examination of Psychological, Spiritual, and Ethical Dimensions

Ali Ahmad Panahi

The Role of Family Counseling in Raising a Mujahid Generation: Pathology and Practical Models for Parents

Roya Dehghani Firouzabadi, Zeinab Rahimi-Talarposhti

Journal of Family Ethical Studies
Volume 3, Issue 5, Autumn and Winter 2025-2026
(A Semi-annual Journal)
Volume 3 / Issue 5 / Autumn & Winter 2025 (1404 SH)

**Publisher: Women's Seminaries Management Center / Hazrat
Zahra (SA) Specialized Seminary of Meybod**
Managing Director: Mohammad Ali Mobini
Editor-in-Chief: Seyed Ali Hosseinizadeh

Editorial Board:

Mohammad Ali Mobini (Associate Professor, Dept. of Philosophy and Ethics)/ Mohammadreza Salari Far (Assistant Professor, Research Institute of Hawza and University)/ Seyed Ali Hosseinizadeh (Associate Professor, Research Institute of Hawza and University)/ Mohammadreza Jabaran (Assistant Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought)/ Seyed Mahmoud Tayeb Hosseini (Associate Professor, Research Institute of Hawza and University)/ Farajollah Hedayatnia (Assistant Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought)

Executive Director: Fatemeh Vahidi

Editor: Marzieh Motab

English Abstract Translator: Maryam al-Sadat Nabavi

Layout Designer: Manizheh Golestani

Address: Meybod, Yazd, Beginning of Salman Farsi St., Opposite the Bakery, Hazrat Zahra (SA) Specialized Seminary.

Tel: +98 35 32323111

Postal Code: 8961945673

motaleate-akhlaghi@whc.ir

motaleate-akhlaghi.whc.ir